نشریه حقوق اسلامی

(سال سوم، تابستان 1384، شماره 4)

بخش فارسی:

مقالات:
1. روابط مجموع تشکیلات نظام و قوه قضاییه در جهان جویی بندی برای توده‌توسعه‌های مجازی
دکتر محسن خلیلی
2. حکمرانی جویی توسعه و حقوق بشر
مهدی مهدوی

ترجمه:
3. شکل سیاسی قانون اساسی: تفکر قوای، حقوق فردی و دموکراسی تا یک‌نخیه سالفر
روژارد بلانی (ترجمه: محسن حسینی)
4. میشل دوریه (ترجمه: رضا شکوهی‌زاده)
5. جی‌آل. کاسکاگو و استرو (ترجمه: جواد کارگزاری)

نقد رویه‌ها:
6. تحلیل رویه‌های نگهبانی در بررسی تبصره 30 ماده 12 قانون ساختار نظام نظام جامع رفاه و تعلیم اجتماعی
سعید رضا ابیدی

بخش خارجی:

مقالات:
7. کانادا بر انتخاب رییس جمهور در ایران
دکتر مهندس مهدی جوادی
8. طراحی ایوی برای معاونت مجازی جهانی: رجکوئی قانونی جدیدی از حق مجازی
دکتر یک میلادی البلوک
9. سایر موضوعات در کانادا:
دکتر مهندس مهدی جوادی
10. آخرین اخبار در کانادا
دکتر یک میلادی البلوک

قوانین و مقررات:
11. تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به زبان فارسی
12. اطلاعیه حقوق بشر کورونا به زبان فارسی

ISSN 1735-174X
شماره سوم، تابستان 1384، شماره 4
ننشر

حقوق اساسی

(سال سوم، تابستان 1384، شماره 1)
صاحب انتخاب و مدیر مسئول: علی اکبرگرجی انتخابی
جانشین مدیر مسئول: محمدحسن حسینی (اعداد میانی عنی: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)
شورای نویسندگان: (به ترتیب حروف الفبای)

دکتر اورشلی امیرجلیل
دکتر ابراهیم بیگ زاده
دکتر محمد راسی
دکتر عباس کدخدایی
دکتر رضا معتمد نژاد
دکتر ناصرعلی مصوصیان
دکتر محسن طباطبایی موتمنی
دکتر سید محمد هاشمی

مدیر اجرایی: علی اکبر بیات
وریاست ادبی و فنی: دفتر نشریه حقوق اساسی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ دانش
صفحه آرا و حروف نگار: رضا بیات
نشانی پستی: تهران، خیابان انتخاب، کوچه 22 شرقی، پلاک 23
صندوق پستی: 14150-22876
تلفن: ۸۸۴۷۸۱۸ و ۸۸۴۷۲۹۱۷/۸۸۴۷۲۶۴۵
دورنگار: ۸۸۴۷۵۲۷۶
نشر: دفتر نشریه حقوق اساسی
مرکز پخش و فروش: فروشگاه تخصصی کتب حقوق و علوم سیاسی، خ انقلاب، بین لالزور و فرست پلاک ۱۰۵ تلفن ۸۸۴۷۲۸۷
پیش: ۳۵۰۰ نسخه
فهرست مطالب

مقاله:

روابط مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه مjure در چهارچوب برنامه توسعه جهان کشور

دکتر محسن خلیلی

حقایق خوب توسعه و حقوق بشر

مهدی منفرد

ترجمه:

شکل سیاسی قانون اساسی: تفکیک قوا، حقوق فردی و دموکراسی لزوم‌های مالی

پروفسور ریچارد بلام (ترجمه: محسن حسن‌نژاد)

معاهده مurrent قانون اساسی اروپایی: آیا این معاهده، یک قانون اساسی است؟

پروفسور نیکلاو دو ویلیه (ترجمه: رضا تنکریس زاده)

حقوق قابل حمایت بومیان ایلی و حوزه خوافی مثبت بر قانون اساسی

چاپ اوکاس کاسیرو (تدریج: ژواد کارگری)

نقد رویه ها:

تحلیل رویه شورای نگهبان در بررسی نیلصر ۳۲ ماده ۲۲ قانون ساختار نظام جامع رفاه و نامه اجتماعی

سید رضا ایبادی

چکیده قارسی مقالات فرانسوی:

شمار
روابط مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه مرجع
در چهارچوب بندی برنامه توسعه همه جانبه کشور
دکتر محسن خلیلی

فهرست مطالب

مقدمه
کلیه اصول، آرامش‌های، اهداف کلی و خط مشی‌های عملی در مذاکرات خبرگان قانون اساسی
گفتار دوم) سیاست‌های کلی نظام در مذاکرات شورای بازرسی قانون اساسی
گفتار سوم) کمیته مختار

مقدمه:
پیاده‌سازی قانون اساسی جمهوری اسلامی که بدون درگیری و با جنبشی شتاب آلود بس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت عمل و واقعی به خود گرفت، نشان می‌داد که با تدوین نوع جدیدی از متن قوانین اساسی روبرو هستیم که پیشنهاد نیازی داشت. در هنگام تدوین قانون اساسی، حاکمیت شرع و قانون اساسی بر مصوبات مجلس بدون تصور کمترین اشکالی پیشی‌رفتند. بود و در پرونده طولی مجلس و شورای نگهبان، برای مجلس هیچ راهی جز تبعیت از نظر شورای نگهبان باقی نمی‌ماند.

یک بار از نظر عمل به خاطر اعلام مخالفت‌های مکرر شورای نگهبان با مصوبات مجلس به دلیل مخالفت آنها با شرع و موازین اسلامی، و اصرار مجلس بر ضرورت نتایج این مصوبات، این دو نهاد
قانونی عملتاً ورودی یکدیگر قرار گرفته. نخستین بار در سال ۱۳۶۰ بر سر قانون اراضی شهری مصوب مرداد سال ۱۳۶۰ میان مجلس شورای اسلامی و شهردار نگهبان اخذلائی برای بروز کرد؛ زیرا شهردار نگهبان با استناد شریعه ناس مسلطنی بر موارد مصوب مجلس را که علی اراضی موات را در اختیار دولت و زمین‌های بایر را تا هزار متر برای عمران و بدون حق فروش در اختیار افراد قرار داده بود، غير شرایط مصوبه هم حاضر به اعمال مصوبه خود نیست. ربیا دست مجلس شورای اسلامی در این خصوص با ذكر این که بعضی از قوانین مصوبی به لحاظ تنظیمی کل امور و ضرورت حق مصالحی با دفع مفاسمی است که بر حسب احکام ناشیه به طور موقت یاد اجرا گردید از آن است. خصوصی قضیه نمود. پاسخ ایشان دست مجلس شورای اسلامی را با گذشت زیرا پاک داده بودند که آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد و هر یک، یک ضرر از آن موجب اختلال نظام می‌شود پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت دو سوم و علاوی مجلس شورای اسلامی با تصريح به موقتی بودن آن، مدامکه موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود، در تصویب و اجرا آن مجازاند. فنایی ایشان ریشه در احکام ناشیه درست و در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ یعنی دی سال و داده آمد که نطق‌الاوج آن لایحه قانون کار بود. متن مصوب مجلس شورای اسلامی الزامی را بر اشخاص تحمل و آزادی اراده آنها را تحديد می‌کرد اما شهردار نگهبان از باب شرع، جان خود نیستند برای.” این اختلاف در نهایت با مکتب شدن نامهای مفصل میان مقامات علیه ریشه نظام و مبانی وقت رهبری مبنا به تشکیل شدن نهادی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام شد. کار ویژه اصلی و ابتدا این مجمع، حل و فصل نهایی اختلافات مجلس شورای اسلامی و شهردار نگهبان قانون اساسی بود. آنچه که ابتداً از دست می‌رسد، این است که آیت الله خمینی با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، مواجهه و همراهان نداشتند زیرا پیش از تشکیل آن “الکدکری خاندان به أعضا شهردار نگهبان” داده بودند که خود آنها قبل از پیدایی این غواهم، مصلحت نظام را در نظر بگیرند. چرا که یکی از مسائل مهم در دنبای بر اشوب کدنی فضای زمین و مکان در اجتهد و نوع تصمیم‌گیری خطی و حکومت را فلسفه عملی برخورد با شرکت و کف و معیالی داخلی و خارجی دانش‌های بودند. این اشاره با طریقی آلیکی مددرسی که در چارچوب تئوری، هست خواستار آن بودند که بر فراتر رفتند از این چارچوب های تجربه و مدیریتی، نظام جمهوری اسلامی به برستغیز متعادل و نقض ظاهری قانون اساسی تئوری شود.

آیت الله خمینی، حتا هنگامی که حكم تشکیل مجمع تشخیص مصلحت را صادر کردند، مخالفت ضمیم خود را با تاسیس یک نهاد نازد در قانون اساسی نشان دادند، زیرا مراحل گوناگون طراحی تا
تصویب یک قانون را در نظام جمهوری اسلامی کافی دانسته و احتیاج به مرحله جدیدتر تأسیس یک نهاد نوین را مورد دانسته بودند. ایشان، جنگی در موافقت با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت از عیان، اگر یک غایت اختیاری بهره گرفته که به طرزی دقیق نشان از عدم موافقت و همراهی ایشان با تشکیل و افزودن یک نهاد جدید به متن قانون اساسی می‌خواهد.

بدون درگاه، سالهای جابجایی قانونی مجمع تشخیص مصلحت نظام در متن قانون اساسی مطرح شد که آن هم با حکم آیت‌الله همدانی منی بر بازگردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی (تاریخ چهارم اردیبهشت سال ۱۳۶۸ ه. ش) حل و فصل شد. عبارتی که ایشان در حکم بازگردی قانون اساسی درباره تأسیس قانونی مجمع به کار بردنداهن بود: "مجمع تشخیص مصلحت نظام بر حل معیال‌ناتظام و مشورت به رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوا دیگر نیافته، این عبارت، نشان از بی‌یاد داشت که ناشی از فرآیند رفت و قدرت به یاد نموده تأسیس بر حیطه اختیارات شد. که ایشان در هفته‌های سال ۱۳۶۶ بر دستور تشکیل مجمع تشخیص مصلحت را صادر کردند، آن را یک مرحله احتیاطی تلقی نموده بودند، ولی از بی‌یادتی‌های دانستنی که نهادهای صاحب قدرت کم و بیش مایلند از آن چه که برایان در نظر گرفته شده، عدول کرده و فرآیند روند. در حکم تشکیل مجمع تشخیص و در حکم بازگردی قانون اساسی سه کار ویژه برای مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظر گرفته شده بود:

1. تشخیص مصلحت در حل و قفل اختلافات مجلس و شورای نگهبان
2. حل معیال‌ناتظام
3. مشورت به رهبری

ولی در جریان روند بازگردی در سال ۱۳۶۸، که مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت قانونی یافت و به شکل اصل ۱۱۲ در آمذ و در اصول ۱۱۰ و ۱۷۷ تیز ذکری از آن به میان رفت، این مجمع، کار ویژه‌های جدیدی یافت که در حکم بازگردی قانون اساسی از آن نامی به میان نیامده بود:

۱. در صورت معنی‌داری یا عزل می‌گری با عزل می‌گری وی: (پی) انتخاب یک ویژه‌ای فقهای شورای نگهبان برای عضویت در شورای وقت رهبری
۲. (دو) تصویب اقدامات شورای وقت رهبری در برخی زمینه‌ها

- ۱ اداده کل انرژی‌های ورودی عوامل مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مدارک شورای بازگردی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، صص. ۶۹ و ۷۰.
نهضه حقوق اساسی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان 1384

س) اگر به هر دلیل یکی از اعضاى سه گانه شورای موقت رهبرى نتوانند انجام وظیفه کند و فرد سوم به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام به جای وی متصوب گردد.

۲- مشورت دادن به مقام رهبرى برای آگاه روند پازنگری در قانون اساسى.

۳- عضویت اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام در شورای پازنگری قانون اساسى.

۴- مشورت دادن به مقام رهبرى برای تعیین سياسى‌های کلی نظام اسلامى و موجودات.

سياست‌های کلی نظام عبارت‌پردازی کامل‌اً تیم ای بود که پیش از آن کمتر پیشنهاد داشت و اگر هم از سياست‌های کلی دولت یا خط مشی‌های عمومی متناسب به میان می‌آمد دست کم به متن قانون اساسى و شيوه‌های عمل قواى سگانه ارجاع داده می‌شد. در قلم ایت ایت حمیلی، مجمع فقط برای رفع کردن قوانین شدید و ناشی از آن در نظر گرفته شده بود و تعیین سياست‌های کلی نظام در آن محیط از اعراب نداشت. مجمع فقط در مواضع اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان وارد عمل می‌شد و عبارات کلی، مهم و کشیدار مند تعیین سياست‌های کلی نظام اسلامى وجود نداشت.

حضاپ از همه پرپرسی تصویب قانون اساسی تجدید نظر شده، در نامه آیت‌الله خامنه‌ای به یحق مصالح اصل 112 قانون اساسی اشارت رفته بود و اگر اصولاً تعیین سياست‌های کلی نظام موضوعی و فعالیتی نداشتی است، دیگر اگر این مساله مهم و واجب تلقی می‌شد نکته نیز از آن به میان می‌آمد. در سال ۱۳۷۵ که رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری شدت یافت، به مخصوصاً در اسفند شاهد و زیرا اگر نیز از آن به میان می‌آمد، درسی بود و در سال ۱۳۷۶، که رقابت‌های انتخاباتی شدید بود، جمهوری همواره ها و متفاهمی نوین در حال ورود به عرصه‌های انتخاباتی است و به احتمال فراوان و وضعیت در قوه مجهز همانی نخواهد بود که مطلوب و مورد نظر است نباید انتخابات عالی رتبه‌ریزی مقامات نظام جمهوری اسلامی به این تئیه رسیدند که مجمع می‌بایست از همه ظرفیت‌های قانونی خود استفاده کند و تمامی مستند‌ها را بر دوش خود قرار دهد.

۱- ایبیر هوفمن، سیاسى‌های نگهبان، ص. 12.

۲- سیاسى نگهبان، ص. 19.

۳- ایبیر هوفمن، سیاسى‌های نگهبان، ص. 42-44.

۴- ایبیر هوفمن، سیاسى‌های نگهبان، ص. 42-44.
گیرد ۶ و این عبارت پردازی‌ها، برای نهادهایی بود که به عبارت تعیین سیاست‌های کلی نظام شما، نوین و کار ویژه‌ای قدرت آفرین و تعیین کننده می‌خشد. زیرا در حسی تعیین سیاست‌های کلی و مصلحت‌نگاری‌های کلی، جمعیت‌های مصلحت مصلحت نظام را دستی کم به دو قوه مجزه و مقتله فراهم می‌آورد. ۷ به ویژه آن که اگر کی سیاست کلی خود به عنوان یک مصلحت - خلاف شرع و قانون اساسی - اعلام شود و به پیشتوانه اختیارات مطلقه برای اجا و تفنی و قضا، ابلاغ گردد. در مذاکرات شورای بازنشستگان اساسی ابتدا عبارت تعیین سیاست‌های کلی نظام وجود نداشت و از تعریف تعیین اهداف و خط مشی کلی و سیاست‌گذاری کشور ۱ نام برده شده بود. در هر دو حالت چنین استدلالی می‌باشد که:

سیاست‌های کلی کشور در تعامل ابعاد باید مشخص شود تا این که اگر قوه مجزه می‌خواهد تصمیم‌گیری کند از این سیاست‌های کلی انحراف نباشد. مجلس می‌خواهد قانون‌گذاری کند از آن سیاست‌های کلی انحراف نباشد. اگر کسی که صلاحیت این را دارد که سیاست‌کلی کشور را تعیین کند مقطع ولايت فقه است. برای اینکه ارائه نمایندگی از اسلام کمال ولی به دارم و ناگاهی صبح هم درد. نابرابری می‌تواند سیاست‌های کلی را بر اساس اصول اسلامی و تعیین کند. ۱۰

ربایست کننده مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به توجه باشد که تا زمان اصلاح قانون اساسی وجود داشت ۱۱ اشاره می‌کند که موجب افزوده‌های دیدن عبارت تعیین سیاست‌های کلی نظام به متن قانون اساسی نشد. به هر حال آن به دلیل و بصورت عجیب خوانندگی را به آن تحریک‌ها متوجه کند. تا جلب آن است که هنگام نجیب‌ها مبایست به سرعند بودن درنگ مفهوم تعیین سیاست‌های کلی نظام را وارد گام عملیاتی کند و چنان عملیاً ده سال بعد در سال ۱۳۷۶ ه. ش این کار شروع شد. در نگاهی آماری می‌توان گفت، مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره اول و دوم - از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸ و از سال

---

7. ساسان نژاد، همان. ص. ۲۷.
8. کانونیان، ناصر. محله‌ها و قانون‌ها: مباحث حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشارات جلد دوم، ۱۳۷۳، ص. ۸۱.
9. ادوارد ال‌مور فرهرنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ۱۳۷۹، ص. ۶۴.
10. ادوارد ال‌مور فرهرنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ۱۳۷۹، ص. ۶۵.
11. بشیری، عباس (به همت). کتاب‌های انتخابی. تهران: نشر مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۱، ص. ۴.
تشریح حقوق اساسی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۴

شکریه، ۱۳۸۵، اصلاح و رشد به قضیه تعیین سیاست‌های کلی نظام را مورد توجه قرار نداد زیرا به احتمال قرب به یکیکی ویا قوت مجزی و ویا مجموع تشخیص مصلحت، به چیرگی

مصلحت سنگین‌های شخصی بر موافق و اصول قانونی حکم می‌داد.

در باب مجمع تشخیص مصلحت نظام به طور اجمالی و درباره تعیین سیاست‌های کلی نظام به طور

اخص می‌توان پرسش‌هایی مطرح کرد که همگی نمودار ماهیت قانونی و جایگاه حقوقی مجمع

تشخیص و سیاست‌های کلی است. هر گروه از این پرسش‌ها پاسخ‌های متفاوتی و مستند می‌خواهد و

نیز می‌توان تناها به چکالهای در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی اشاره کرد و آن را نمود قانونی

عقلانی و حقوقی دوند وجود مجمع و یا وجود عبارت تعیین سیاست‌های کلی نظام دانست. این

پرسش‌ها پاسخ‌های فرآیند متن قانون اساسی و نیز متن حقوقی می‌طلبند که می‌باشد آنها را در

فلسفه حقوق و فلسفه علوم اجتماعی بافت.

پرداخت از این پرسش‌ها از نظر زیر هستند:

۱. ماهیت سیاست‌های کلی نظام چیست؟

۲. آیا سیاست‌های کلی نظام در حکم قانون اساسی است؟

۳. آیا سیاست‌های کلی نظام مصلحتاً می‌تواند خلاف شرع با قانون اساسی باشد؟

۴. مسئول تشخیص ابطال و عدم مفایح سیاست‌های کلی نظام با شرع و قانون اساسی

کیست؟

۵. ارتباط سیاست‌های کلی نظام با تفاسیل شرایط نگهبان چیست؟

۶. جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام در نظام تفاسیلی گیری ایران چیست؟

۷. طبقه‌بندی و قلمروی موضوعی سیاست‌های کلی نظام چگونه صورت می‌گیرد؟

۸. قوانین معاوضه با سیاست‌های کلی نظام چه سرنوشتی پیدا می‌کنند؟

۹. ارتباط سیاست‌های کلی نظام با سیاست‌های کلی موجود در قانون اساسی و

سیاست‌های کلی مصوب مجلس و هیات دولت و سیاست‌های کلی نظام اداری که به ویژه توسط

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ارائه می‌شود چگونه است؟
روایت مجتمع مصلحت نظام و قوہ مجزیه

10. نظرات بر حسب اجرای سیاست‌های کلی نظام چگونه و با کدام تشکیلات و مقررات صورت می‌گیرد؟

11. ارتباط این نهاد نظامی کلان با دیگر سازمان‌های نظامی کدام است؟

12. اگر عملیات آبیان نامه و بخش‌نامه‌ای در تعاضب با سیاست‌های کلی نظام بود مرجع تشخیص و رسیدگی کدام است؟

13. سیاست‌های کلی به چه ارتباط با تصمیم‌گیری‌های قانونی، اجرایی و قضایی دارند؟

14. در زمینه انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام چه مرجعی مسئول رسیدگی است؟

15. آیا خود مجتمع می‌تواند به انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام رسیدگی و در صورت مغايرت آن را ملقی اعلام کند؟

16. آیا مصوبات قبیل مجلس مغاير با سیاست کلی نظام بود تکلیف چیست؟

17. آیا مجتمع تشخیص می‌تواند به استناد بند 2 اصل 110 بر مصوبات قوہ مجزیه و مقننه و انطباق آنها بر سیاست‌های کلی نظام نظرات و در صورت مغايرت آنها را باطل کند؟

18. آیا سیاست‌های کلی نظام در حکم قانون است؟

19. آیا مجتمع تشخیص مصلحت حق قانونگذاری ابتدايی دارد؟

20. تکلیف اصل 4 قانون اساسی بر سیاست‌های کلی نظام چه می‌شود؟

گرچه بررسی‌های طرح شده بسیار مهم و اساسی و در عین حال جالب‌انگیز هستند ولی نگارده مایل است از مکتب خود بهره‌ای عملی بگیرد و در اکثر مواردی کاربردی داشته باشد. بنابراین بررسی دیگری را در می‌اندازیم و بی‌گروه پاسخ آن می‌شوریم: آیا عبارت «تعیین سیاست‌های کلی نظام» می‌تواند فراهم آورده محیط و قضایی شود که در آن قوّه مقننه – به عنوان اصلی یا نهاد قانونگذار و مبتنی بر نشانه‌های جامعه حقوقی سیاست‌های کلی نظام در عین حال جالب‌انگیز هستند ولی نگارده مایل است از مکتب خود بهره‌ای عملی بگیرد و در اکثر مواردی کاربردی داشته باشد. بنابراین بررسی دیگری را در می‌اندازیم و بی‌گروه پاسخ آن می‌شوریم: آیا عبارت «تعیین سیاست‌های کلی نظام» می‌تواند فراهم آورده محیط و قضایی شود که در آن قوّه مقننه – به عنوان اصلی یا نهاد قانونگذار و...
لا يمكنني قراءة النص العربي من الصورة. إذا كنت بحاجة إلى مساعدة في شيء آخر، فأنت مرحباً!
6. دوباره کاری و بی‌هدفی کاری را از طریق فعالیت‌های موازی کارانه میان نهادهای مدعو

کارکارشناسی افراشی شدن.

7. توعیع سرگرمی مدرسانه‌ی گم‌گزانتیک در پی فهمآوری‌های اخلاقی، کلی و تجربی میان

اصحاب جدال فراهم می‌آورد که فاقد پیامدهای عملی و اجرایی و نیز بهبود مناسب وضع

اجتماعی است.

کفتار یکم: اصول، آرمانها، اهداف، کلی و خط مشی‌های عمومی در مذاکرات

خبرگان قانون اساسی

اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی که در پی گیرنده سیاست‌های کلی نظام جمهوری

اسلامی محسوب می‌شود در پیش نویس قانون اساسی باید بر اساس چهار بند به در عین گونه‌های:

نمونه از آرمانها و اهداف جامعه پیروز پس از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود:

جمهوری اسلامی ایران در استقرار جامعه توحیدی، معنی و اختلاف اسلامی را مبنای روابط

سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد. در عین حال، اصول یکم تا دوارده، منظور

قانون اساسی آرمانها و خط مشی‌های عمومی دولت را تعبیه کرده بودند:

1. تعیین نوع حکومت

2. نفوذ هرگونه تبعیض و توجه به کرامت انسان

3. استفاده از دستاوردهای سودمند علوم و فرهنگ بشری

4. تحکیم همه افراد و بناکی حکومت بر آراء عمومی

5. تفکیک ناپذیری استقلال و آزادی از یکدیگر

6. سعادت انسان در کل جامعه بشری

---

14 از این جهات، کل آمور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس

بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: 1388؛ صص. 59 و 57.
یک تدریج کشاورزی بومی و رعایت کامل استقلال سیاسی و اقتصادی

۸ تکمیل کار و کوشش و پاسداشت مالکیت

۹ تکمیل خانواده و امر تعليم و تعليم

۱۰ خودداری از دخالت سلطه جویانه در امور داخلی سایر کشورها

اصول و اهداف کلی در بسیاری از مجموعه‌های قوانین ذکر می‌شوند زیرا مقصود از بیان آنها

روسی ساختن مبتنی فکری و هدف‌های قانون‌گذاری است. ذکر این اصول و اهداف به ویژه در قوانین

اساسی به منزله طرح برنامه قانون‌گذاری در آینده محسوب می‌شود و مبتنی از آن در نظر گرفتن اصولی

است که در بیان‌گذاری جامعه بسیار مهم به شمار می‌رود.

فرونده مهم اولین اصول و هدف ها در آغاز قانون اساسی این است که روح و بیان‌های اصول دیگر

هنگام اجرای تفسیر قانون معنی شود و راهنمای دولت و دو قوه مقتدر و قضاوت قرار گیرد. با تمام

اعتماد که این اصول دارد، نیابت انتظار داشت که این فصل حاوی احکام ویژه ای درباره مسائل

گوگانز اقتصادی و اداری باشد. زیرا قانون اساسی جای ارائه باهای حکومت و شکلی است که

مختلف آن به صورت دائمی در می‌آید و به جزییات روابط اجتماعی نمی‌پردازد. به‌یاد دیگر

قانون اساسی چنین قواعد است که سه‌میل. ۱۱ در حین مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون

اساسی جمهوری اسلامی، اصل جمهوری مبنی بر دستگیری قانون اساسی کار گذاشت و طول‌برن اصل

قانون اساسی موجود بعنی اصل سوم با شاخص بند ابتدایی شد. استدلال را بخوانید:

درج این اصل در اینجا بدين منظور است که کیک به صورت فشرده و ظرفی قانون‌گذاری و اجرای

قانون را در آینده مشخص کند و جهت کلی قانون اساسی ما را در شاهدان مختلف نشان بدهد و هم

برای خودت ما که امروز در انتظار آن هستیم که قانون اساسی می‌تواند به‌ساملی از سمت آنان

را اولویت بدشد و هم برای سایر مردم روش‌گر کلی راه یابش. ۱۷

---

۱۱ کانون‌یاران، ناصر. گامی به سرنوشت، مجموعه مقالات. تهران: دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، جلد اول. ۱۳۷۸ ص. ۲۴۵.

۱۷ اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴ صص ۵ و ۶.
این نحوه استندال-که بسیار هم قوی است، نشان می‌دهد که یکبار و کمی‌پیش برای همیشه سیاست‌های کلی نظم، تعیین شده و در نیازی نبوده است که برای مربیان مجدد دست به تأسیس مرجعی بپزین که آن را دوباره تعیین و تعریف کند. تازه در همان مذاکرات خبرگان قانون اساسی به طرح وازده و عبارات مهم و نادری چون آرمانها، باباها، هدف‌ها و روش‌ها ابراز وارد آمده و گفته شده است که شانزده بند اصل سوم قانون اساسی هم در حکم وسیله‌اند و هم در حکم هدف و هم در حکم روش و می‌بایستی نوعی جداسازی صورت گیرد. زیرا بند معقد که بیشتر اینها زیادی بوده و توصیه‌ها است که بعداً ممکن است ایجاد اشکال کند و از آن فاقدی‌ای متصور نیست. قانون اساسی

بابد مختصر، صریح، روشن، موجز و برای همه قابل درک باشد.  

این ابراز را دیگران هم طرح می‌کردن و معقد بودن گه قانون اساسی نیازی نیست و ایالت‌ها اخلاقی فاقد ضمانات اجرا باشد و کردن به یک مانفعت فوقالعاده عالی و شعارگونه تبدیل می‌شود و هیچ فرصتی برای اجرایی شدن نمی‌یابد.

ما اینجا تحلیلی می‌خواهیم و جملاتی و اصولی می‌خواهیم که در درجه اول بودن و نیوتنش در سرنوشت ما و دیگران مؤثر باشد نقص داشته باشد و تعیین کننده باشد. به این معنا که می‌بایست بفرغ از زیبایی‌های نوشته‌دار به مشکلات مردم برداخت و برای آنها کاری کرد و کردن به طریق مداوم اصول سیاست کلی و خط مشی عمومی تعیین کردن بودن آن که آنها را عملیاتی و اجرایی کننده سبب سرخرودگی و ناهنجاری می‌شود. اخیراً یکی از درست‌ترین عزیزه شانزده بند را در دست تلفیق کردند. من کار به تعمیدش ندارم، من می‌گویم که باید دردی از مردم دوا بی‌بی‌کوچ شود. این شما و این اعمال حجت می‌خواهید. حلقش کنید با می‌خواهید قرآن را بگذرانید. جایش فقط به یک سلسله کلیات اکتفا کنید.

مانند کاری می‌خواهید بکنید. انسان باید وظیفه‌اش را انجام بدهد.
روح مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی نشان می‌دهد که نوعی احساس آرمان گرایی انتقالی و عقل فعال زمامدارانه بر همگنی منطقی شده بوده و نه تلقی درکه‌ای وجود داشته است که نظام برآمده از انتقال اسلامی شانسته است که به طور قطعی با رزیم سابق متفاوت باشد. و این امر حاصل نمایید مگر از طریق مکتوب کردن متنی از قانون اساسی که در آن فتخامت وازگان این ظن را پیدا می‌آورد که حتی این چه فتيم است پس دیگران هم در مقابل آن خلاص می‌شوند و خود بخود صورت تجاری ببه خود می‌پیدارند.

از سوی دیگر عقل فعال زمامدارانه نیز بر پیش نمای قانون اساسی حاکم شده بود. به همین دلیل بدون درنگ پس از پیان اصول و اهداف کلی که با سنای ساده بیان می‌شد به سراغ اجرایی شدن آن پیش می‌رفت و نوعی نظام سیاسی حقوقی را مطرح می‌کرد که پیشنهادی از آن نیز در دنیای معاصر وجود داشت.

اما، شکل و شما و پیش متن قانون اساسی دستیابی روحیات انتقالی مسلمانی بود که بر زمین سابقه پیروز شده بودند و شور و شفاعت ناشدنی آنان سابقه گرفتن متنی که دست کم در اصول و فصول آغازین آن، آرمان‌گرایی ناب اسلامی که نیروی خود را از فضای ایدولوژیک سیاسی 1354 تا 1357 می‌گرفت، بر سردار این جهان شد، اصول یک تا چهارده قانون اساسی و به ویژه اصل سوم - که در آن دولت را باید کلیت شامل رهبری، قوای سه‌گانه و تمامی نهادها و شوراها دانست - حاصل نویع آرمان‌گرایی انتقالی در راه تامپس یک مدل نیو اسلامی محصول می‌شود به ویژه محتوا و متن مقدمه قانون اساسی تبوزاری از این واقعیت عیینه به شمار می‌رود.

**کفتار دوم** سیاست‌های کلی نظام در مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی

قانون اساسی مصوب سال 1358 پس از ده سال تجربه عینی و عملی در سال 1369 مورد بازنگری قرار گرفت. یکی از موارد افزودنی به قانون اساسی عبارت تعیین سیاست‌های کلی نظام بود که با این نحوه استدلال نیز مورد حمایت قرار می‌گرفت: از خصوصیات منابع این طرح این است که سیاست‌گذاری‌ها که در قانون اساسی مطلق احساسی از آن به مبانی نظامه بود در کل‌نشت، ما اینجا آوردیم زیرا که در هر زمان و مقطع از مقاطع آن مقامی که حق دارد خط محسوب گذشته، استراتژی‌ها، سیاست‌های‌ها
دکتر محسن خلیلی

را به نحوی از انحصار مورد برنامه‌ریزی و مورد مدله و دخالت قرار بدهد آن وقت رهبر است و نفس

معتای رهبری هم این اجواب می‌کند.؟

ولی روح مذاکرات شورای بازنگری نشان از آن داشته است که برخی از نخبگان فن که اشتغالات

اجرایی و اداری سطح بالایی هم داشته‌اند با این اصل و با ابزاری که در فهوم تعیین سیاست‌های کلی

نظام و نظارت بر حسن اجرای آنها وجود دارد، مخالفت شدید می‌کرده‌اند. گرچه نقل قولی که آورده

می‌شود، اندکی طولانی است ولی به لحاظ کیفیت و نحوه انتقال و مبادله نام و تعام‌با

فرضیه مقاله، ناجاری متن کامی آن را در زیر بنگیرم:

مساله دوم در ارتباط با این اصل یکصد و دهم می‌کنیم به بحث شایین برد یک آن یعنی در

حقیقت منحصر کرد، که چون اهمیت نظام اجرایی و دولت است، ما یک از کارهایی که می‌خواهیم

پیکنیم مرحله انتخاب را یک کمی متمرکز بکنیم و با گذاری در اعتیار رئیس جمهور و کار بکنیم، اگر

شما با همین عبارتی که آمده آن‌ها، خط مشی کلی سیاست‌گذاری آنها باورهای و هم دولت کرم که

خواهد شد. و بگذاریم باز هم در رابطه با مجمع تشخیص مصلحت و از طرف دیگر خود رهبر از این

همه نیروی کارشناسی که بودجه جاری ما را پروری که کسی را خود مرد که ما هم همیشه بحث می‌کنیم

دویست و نوبه میلادی نمی‌توان با سیستم میلادی نمی‌توان در حقیقت بپربره شکیم در این زمینه، خوب

سیاست‌گذاری چه جوری صورت می‌گیرد؟ سیاست‌گذاری در وزارت‌خانه‌ها توسط نیروهایی که منحصر

می‌شود. انجام می‌شود. البته در باز یک خط مشی داده می‌شود یک حلقه قبول می‌شود با قبول

نه شود. اما اینجا مشروط را از جای طبیعی خودش برگردانیم به مجمع تشخیص مصلحت که من

فکر می‌کنم وظایفی یک جدی دیر است. دویست در دست‌گاه‌هایی کارشناسی کشور که کارشناسی اصولاً

سیاست‌گذاری است و توان قانونی و مقررات هست و رون فعالیت از زمینه‌های روزمره و سالانه‌ها هست، این

اشتیاب است. و از طرف دیگر، داده وظایفی به این وست به خود رهبر یک نوع سلب کردن این

وظیفه از دست‌گاه‌های اجرایی است و آن اصفالی که جناب آقای هاشمی انگیزه به کار بردن "سیاست

کلی" از فکر می‌کنم مناسب باشد (سیاست‌های کلی) و رفن تری این جزئیات بیش‌تر مشکل ایجاد

- از آن جهت که امروز که گردیده و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مطرح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۷۹: ص.۲۲۲.
نشیب حقوق اساسی، سال سوم، شماره چهارم، تاپستان 1384

خواهد کرد، یک‌خیال دستگاه اجرایی ما را به انتخاب خواهند کرد و در حکمیت به کشور ضرور خواهند رساند. [دریارو] تعیین نماینده چون بحث زیادی شده از جمله نمی‌کنم فقط می‌خواهم یکی می‌خواهم فلج کامل کشور است یعنی هیچ ترددی برادرپناه نشانه باشد. در این زمینه یعنی واقعاً فلج کشور و آن کمی هم که کار می‌کند وزیر به نویس نماینده رهبری در آنجاست. خوب کار نمی‌كند رهبر از نظر خودش استفاده کند کار را ثبت، برخورد بکند و اینها، ایمکنه ما یک‌خیال مدیر بگذاریم. یک نفر به‌های دستش که تا نهادان بخورند یا از ابتدا که خور دو نویسی جنونی را ما در حکمیت در مدیریت خواهد یافت مهمایه و مدیر را ترساندهایم و مدیر ترسودنیم و مدیر ترسودنیم و می‌خواهیم اصطلال مناسب و مناسب با جامعهی اقلیتوی ما نیست، مدیر با یاد شگاه‌هاست، تصمیم به‌کار رفته قاطع عمل بکند و همین هم جواب یکنداکه نماینده رهبر مراقب ایست و نماینده رهبر هم می‌خواهد خودش در دستگاه اجرایی قانع خواهد شد. شما نهادان نام خواهیم خواسته که هیچ به‌کار چه‌چیست؟ ممکن است به آن که شود در این حد می‌توان یافته و یا به همه‌ی اتخاذ‌ها سر خواهد زد، در همه‌ی امور دخل‌ها کاره به یکی به معنای پاسخگویی دستگاه اجرایی است و نباید یکی نفع کشور نیست.

استدلال دریگری نیز در مذاکرات شورای بازگری قانون اساسی جمهوری اسلامی وجود داشت. بر اساس این استدلال، تعیین سیاست‌های کلی کاری است که توسط قوا سگانه و نهادهای مسئول به صورت مداوم صورت می‌گیرد و دیگر نیازی به آن نداریم که تعیین سیاست‌های کلی نظام را در منطق قانون اساسی مورد بازنگری، مجدداً تأکید نماییم سایر نوعی دوره کاری و به‌عده‌کاری است و متنفر به تعطیل سایر قوا می‌شود. این نحوه استدلال را نیز به دلیل قوید منطقی بودن و انتقاد نام و تمام با آنچه که جامعه به در فرضیه خود اورده است نقل می‌کنیم و بیشتر با خاطر طولانی بودن آن عذر می‌خواهیم.

حسین هاشمی‌زاده - بسم الله الرحمن الرحیم. بنده معتقد که می‌نیایی به این بند اول نداریم، به این دلیل نیاز نداریم که فکر می‌کنم سیاست کلی در دو بخش است: یکی دستگاه‌های اجرایی، دوم یکی، دستگاه‌ها قضاوتی که این دستگاه اجرایی و قضایی دو کنگره کار انجام می‌دهند: یکی اینکه، دستگاه اجراییمی آید سیاست کلی اقتصادی شا (مثال پرداخت پنج ساله) مطروح می‌کند. و در دولت بحث

(1) اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی شورای اسلامی، همدان، 1379، صص. 132 و 199.
درجه مجمع تشخيص مصلحت نظام و قوه مجریه

دوست‌مندی خالی.

مزکرینگ می‌کرد و بعد به صورتی از یکی نام نهایی قانونی گرفتند. یک شرطی اجرایی دارد که برای اجرای آن قانون، توسط آن‌هایی که می‌گویند شرطی را انتخاب می‌کنند و جریا می‌کنند در

دستگاه قضایی هم این‌طور است.

یعنی آن‌ها یک سیاست‌گذاری دارد که نیاز به قانون دارد مثل دستگاه اجرایی که می‌شیند بر اساس

خطوط کلی سیاست‌گذاری خودشان را به صورتی اینجا به موجب پایان می‌آورند پس در اجرای آنها هم

نقش‌های خواهند داشت، رویه‌های خواهند داشت. بعد از آنها به مجلس می‌آیند، مجلس هم برکاست

گزارشی که به صورتی اینجا از دوام‌آمده آن‌ها در قانون قضایی آمده، این سیاست‌گذاری را با اصلاحاتی

تصویب می‌کند یا رد می‌کند، اینها موظفند دو مرحله آن سیاست‌ها کلی شان را برخورد.

بنده معنی‌های هستم که این سیاست‌گذاری در بخش‌های اقتصادی، فرهنگی، قضایی و سیاست خارجی

در دولت و سیاست‌های قضایی در قانونی تضعیف به توابع و نظیر در هیات دولت می‌آید و بعد به

مجلس می‌آید سیاست‌گذاری را به صورتی اینجا به مجلس می‌دهد که این سیاست‌گذاری از

این است که با توجه به رشد جمعیت، میزان سرمایه‌بگذاری، مانند درآمد همه‌ای اینها را بررسی می‌کند و

به مجلس می‌فرستند. در سیاست خارجی اینها به این شکل به مجلس می‌آورند. بنابراین مجلس هم با این

روهی عمل می‌کند یا تصویب می‌کند با اصلاحات با رد می‌کند او موظف است دو مرحله به بار. بنابراین

منظور من این است که سیاست‌گذاری جایی نباشد که اینها باید یک نشکلات و سیاستی را برای

رهبر درست کنند به اندازه دولت، به اندازه قانون قضایی، به اندازه‌ای که بخواهد

سیاست‌گذاری را اعلام کنند، سیاست‌گذاری را ملدون بکنند. آخرین پس این نواحل کنند.

سیاست‌گذاری را رهبری بگیرند، نیروهای مهم‌تر از این است به کننده و همچنین ایزی را به کار

بگیرد در جای سیاست‌گذاری کلی اقتصادی، قضایی، دیگر و جه توجه به ساختاری که به‌طور اجرا کننده

آنها فقط اجرا کنند. شما از یک طرف سیاست‌گذاری را به این به قوه در بخش‌ها داده‌اید از انحراف هم

می‌آید می‌گوید که رهبری این کار را بکنند. این تکرار است یکی از این در تا با باید پس با بودن

قوه سناهایی که وجود دارد و در قانون است که شما به‌طور اجرا کننده رهبری سیاست‌گذاری

کلی را انجام بدهد و ملدون بکنند و چنین ندارد. بنابراین به‌طور معتقد با همان نظرتی که شما به‌طور

دومش‌ها یا نظرتی که شما به‌طور صرفاً یکی طبیعی، حقیقی است یعنی سیاست‌گذاری‌ها کلی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی

و قضایی که این سه قوه کارگیری انجام می‌دهد این را نظرت بکنید، این بسیار حرف درست است اما اینکه

خودش ملدون کنند تکرار است به‌طور دستگاه است. بنابراین وقتی که ما با نور مکرمت در ایران می‌مراه
تشریح حقوق اساسی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان 1384

۲۴-

میکنیم با بروز پرستاری، شما آن همه پرستاری که دستگاه دولتی ندارد، ۲ میلیون پرستار دارد. بیمار
باید برای رهبری هم یک پرستار عظیمی را بگیرید چون اگر به‌خواه رهبری، سیاست‌گذاری کلی را
بگوید بدون اینکه کار کارشناسی روش‌شناسی، بدون اینکه دقت کافی روي آن بعمل باید، چون این
پنجه نیست و خام است و به مقام رهبری اصلاً نمی‌خورند باید تا سیاست‌گذاری‌های تاپخت‌های را
بکنند. اگر هم با استناد به کار کارشناسی و پنجه و اساسی بکنند. بنابراین این دستگاه‌ها به که شما
گمارده‌ایند دارند تنگی‌می‌دهد چرا ما بپرستار باین بلاحال که راهنمایی چکی و یک تشکیلات عضو و
طلیعه‌ای را برای رهبری درست کنیم که سیاست‌گذاری بکنند. ضمن اینکه بنابراین سیاست‌گذاری‌ها هم رهبر
کنترل گذاشته‌ایند اگر مجلس شورای اسلامی به‌خواهی چنین یا تصویری بکنند، شورای نگهبان هست که
مسائل خلاف قانون و یا خلاف شرع را تشخیص می‌دهند.

برای قوی‌ترین مجربی شما کنترل وجود دارد، بازرسی و وجود دارد برای قوی‌ترین قضاوتی شما باز کنترل
و وجود دارد. بنابراین با یک کنترل هایی که وجود دارد، با باین‌ها که این‌ها باید به‌سوی یک قاطع
دارند و هم در کار سیاست‌گذاری کلی و هم در کار اجرا نقش اساسی دارند. بنابراین بنده بیان اول را
زیادی نمی‌کنم و پیشنهاد حذف آن را دارم.

شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی از طریق نظام شکل‌کننده که نظریه‌های داخلی فقه در
ساختار نظام حقوقی سیاسی کشور مورد پذیرش قرار گرفت، شورای بازنگری نیز مشکل از دو
بخش انتصابی و انتخابی بود. ولی نتیجه قابل توجهی آن بود که تقریب به اتفاق آنها را فله تشکیل
می‌دادند. از یک سو آن آرمان‌گرای انقلابی سال‌های اولیه پس از پرورش اقلیم اسلامی به دلیل مواجه
شدن با واقعیت‌های زمین‌داریه و نیز جنگ عراق با ایران دیگر وجود نداشت. پس با برای فحال شدن
عقول حکومت‌گرانه بدون نکید به شعارهای آرمانی و انقلابی پدیدار شده بود، به ویژه آن که نیاز به
بازمزاری و سازندگی پس از یک جنگ طولانی همگان را به ضروری تبریزی‌اداری پدیدار شدن
تصمیم‌گیری از اختیارات و ولایت مطلقه برای مقام رهبری - که یک بازرس از فرآیند زمینه‌بازاری
قانون اساسی به منظور ظهور رسیده بود - که همه شورای زمین‌داری و کشورداری را متعلق به این
می‌دانست، سیستم بیداری این نکته شد که حتی گل‌ترین سیاست‌ها و برنامه‌ها و نیز طراحی

۲۴- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ۱۳۷۹: ۱۳۱۴-۱۳۱۵
۱. سیاست‌های کلی نظام فوق قانون اساسی و حاکم بر وظایف و اختیارات و ملاحظات های

سازمان نظام اسلامی اسلامی است. این سیاست‌ها در عین حال از احکام و اولویت

قانونی که برای رسیدن به اطلاعات و راهنمایی، موردی برای تحقیق و اجرای

نهاده و قوای سگانه شود. عبارت تعیین سیاست‌های کلی نظام نوعی پردازش و ارگانیک بوده که در مبانه

مذاکرات مجموعه بازگردی قانون اساسی به تعیین شد، به هدف و حیطه آن روش‌گشته و نه ماهیت آن

معلم شد، به یکی از این با سایر قوانین نهادها اشارت و فتنه به جایگاه حقوقی آن در ساختار

سلسله مرحلی قانون پرداخته شد. عبارت تعیین سیاست‌های کلی نظام در حقیقت مفهومی به و رها

بود که با بر مبنای قانونی در زمینه گوناگون می‌شد از آن در جهت گسترش سازی حیطه قدرت یک

مرجع قانونی و محدود ساخت مراجع قانونی دیگر استفاده نمود. نشان که آن نشان که در اوایل دهم

حافظ خود مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام به "تعیین و پالایش مفهومی" عبارت سیاست‌های

کلی نظام کرد و این تکنیک به آن معنی است که این تغییر بدون مداخله و ملاحظات‌های گوناگون در متن

قانون اساسی نیز بود. رها شد.

کفترسوم) گزینه مختار

فرضیه‌های نگارنهی بیانگر گزینه مختاری است که این مکتوب برای نیازی این ارائه می‌شود. از یک سو

باید مشخص گردد که آیا سیاست‌های کلی نظام در مسیر تطبیق قانونی چیست؟ آیا

قانون است و مواردی چون نسخ و افتا و تفسیر همانگونه که در مورد همه قوانین وجود دارد، شامل

حال آن نیز می‌شود؟ آیا آیا به سیاست‌های کلی نظام می‌توان از منظر مصلحت نگاه کرد؟ آیا جزء قانون

اساسی است یا عادی؟ آیا و یا یکی یا قانون اساسی برنامه‌ریزی می‌کند برای تا و یا یکی یا قوانین عادی?

پرسش‌های از این دست، اکنون در میان صحیح محور حقوقی اساسی پاسخ‌هایی یافته است که علی رغم

نفوذ‌ها و ناهماهنگی‌های گوناگون، زمینه و راه به به یکدیگر می‌کند:
نездیه حقوق اساسی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان 1384

محصور می‌شوند و اعتباری بالاتر از قوانین عادی و حتی قانون اساسی دارند. در تعارض فی مبانی، ضرورت فعالیت سیاست‌های کلی نظام ترجیح دارد و مصالحه عمل به آنها اهمیت از مصلحت اجرای قانون اساسی است. تعیین سیاست‌های کلی نظام از باب توافق و به تصدی در اختیار ولايت مطلقه قیمه است و همی مقوم سازمانی صلاحیت تفیید، اصلاح، تغییر و با اعلام سیاست‌های کلی نظام را جر مقدم رهبری ندارد.

2. مصوبات مجمع در حوزه احکام ثانوی و احکام حکومتی است ولی سیاست‌های کلی نظام از نوع ثانوی و حکومتی محصور نمی‌شود بلکه حکم قانون را دارد و مطالب به اصل 57 قانون اساسی از انتخابات ولی مطلقه قیمه و حاکم بر تمامی سازمان‌ها و صلاحیت هاست. در سلسله مرابت حقوقی مصوبات مجمع از لحاظ شکلی ماده قانون اساسی و مفاهیم آنی نام و مجموعاً از منخوانند. قوانین عادی محصور می‌شود. مجمع تشخیص مصلحت نظام عضوی از بک کل به پیوسته به نام دولت است و اگر قانون، وزارت برای هدایای از دولت وضع گذاری مقدمه عادی بوده و الازم به غیر محصور نمی‌شود ولی مصوبات آن از جانب هیچ هدایای مقر مقام رهبری قابل اصلاح و املاء نیست.

3. مجمع تشخیص مصلحت نظام حقیقی می‌تواند بک قانون‌گذار باشد و مجاز اعمال ولايت مطلقه قرار دارد. سیاست‌های کلی نظام می‌تواند مصالحه هم باشد و حتی می‌تواند مفهوم اصول قانون اساسی قرار گیرد. ولی نیاز به مخدش مشروطه. مصالحه مفهوم تغییر در قانون اساسی می‌تواند وقت و مقیاس به نه دانی باشد و اگر این کوئه باید به طور وقت از اجرای بعضی از اصول قانون اساسی خودداری کرد. طبق این تفسیر شخصی، اگر سیاست‌های کلی مخالف قانون اساسی باشد می‌توان بعضی از اصول و فصول قانون اساسی را موقتاً تعطیل کرد.

4. مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان شهرای عالی مشورتی برای مقدم رهبری و سایر ارکان نظام محصور می‌شود و بپذیرد است که مصوبات و تصمیمات این نهاد عالمی از اعتبار قانونی

www.IRISN.COM/SHORA/TAHGIG/GOZARESH/4007

- شریعتی، محمد صادق. بررسی نظرهای حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، تیر: پژوهان کتاب، 1381، 1382، 1383، 1384، 1385، 1386، 1387، 1388
- مرندی، محمد رضا. همان، صص. 977، 72، 18، 19، 89، 97
دکتر محسن خلیلی

روابط مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه مجریه

برخورد با توهین و از لازم‌الاجرا در همه سطوح نظام تلقی می‌گردد. مصوبات مجمع را جزو قوامینه رهبری می‌دانند. و توجه تقسیم‌بندی مقررات دقیق را در دستور کشور برتری دارد. 

5. سیاست‌های کلی نظام، مافوق اصول و قوانین و مادون ارث‌ها و ایدئولوژی‌ها محصول می‌شوند، لیست معادلات بین قانون و حکم کلی حاکم بر قانون است. سیاست‌های کلی نظام قانون اساسی با عادی نیستند فقط شریعت و از باب اجرا حکومتی مقام رهبری به شمار می‌رود. هرگونه قانون و مقررات مصرف می‌گیرد با سیاست‌های کلی نظام را قفقازی، شورای نگهبان، مردود اعلام می‌کنند.

مجمع تشخیص مصلحت حتی حق قانون‌گذاری این‌دایی را هم دارد ولی هم در تعیین و هم در مصلحت سنجی حق اعلام نظر خلاف شرع ندارد.

6. رای و نظر دیگری که از منظوری اجرایی و عملیاتی و به آگاهی به فضیه ماهیت سیاست‌های کلی نظام ندارد، معقد است سیاست‌های کلی اصلی قانون نیست بلکه سیاست است که مجمع تشخیص مصلحت آن را تعیین می‌کند و به محض تعیین آن برای همه قوا الزام محسوب می‌شود. سیاست‌های کلی حلقه‌ای از آرامش و اجراها و اجرایی‌ها مستند ولی سیاست‌های کلی با قانون عادی تفاوت اساسی و ماهوی دارد و این گونه نیست که کسی پیوند آنها را برای اجرای منظمی به دستگاه‌ها به داده‌ای بین این سیاست‌ها کلی است و باید تبلور آن را در قوانین و آرای‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها، مقررات اجرایی و در عمل دستگاه‌ها دهد. مثال‌هایی داده‌که نیامدند به این سیاست‌ها در صورت حکم تماس بکنند و می‌باید حکم فاضل قوانین عادی است. بنابراین اختلافه که قانون می‌گذارند و یا مقررات اجرایی وضع می‌کنند باید براساس این سیاست‌ها باشد. یکی از مهم‌ترین موارد توجه به این سیاست‌ها در هنگام نت‌گرفتن برنامه‌های پنج ساله است که رهبری سیاست‌های کلی برنامه را می‌دهند و دولت و

۲۵ هدایت نیا، فرج؛ ا. کاویانی، محمدعلی؛ بروجردی فقیهی؛ حقوقی شورای نگهبان. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و

مجلس هم موفقیت قانونی در تنظیم لایحه پیشنهادی و قانون مصوب این سیاست‌ها را لاحظ کند.

دیدگاه‌های مخالف با آنچه که مکتوب شد دربار سیاست‌های کلی نظام چنان است که این سیاست‌ها را جزو ساختار قانونی کشور محسوب نمی کند زیرا از یک سیستم‌سازی کلی را اصلاً به لحاظ ذاتی و ماهیتی جزو قانون اساسی و با عادی محسوب نمی‌کند، یعنی به این دلیل که ویژگی‌های قانون را بر آن منطقی نمی‌دانند و از دیگر سو، تعین سیاست‌های کلی را تنها به آن دلیل که نوعی کلی‌گری و کامیابی فاصله محسوب می‌کند چندان مهم محسوب نمی‌کند و مانند است که کار آن به طوری که گذشته‌اش به حیثیت و صلاحیت قوای سه‌گانه وارد نیاپید:

1. سیاست‌های کلی نظام اصلی قانون مصوب نمی‌شود زیرا هیچ کدام از صفات و ویژگی‌های قانون را ندارد.

2. مجمع تشخیص مصلحت نظام قانون‌گذاری نبست زیرا اصل ۱۱۲ قانون اساسی را با پیش در سایه عدم اجرای ۸۹ قانون اساسی فهمید فقط مصوبات مجلس شورای اسلامی قانون مصوب می‌شود زیرا با تشریفات خاص وضع می‌گردد و مجموعه‌ای از امور و نواهی است که در عین حال و وضع همراه با ضمانت اجرا بر اشخاص تحمیل می‌شود. سلسله مراتب قانون در نظام حقوقی جمهوری اسلامی نشان‌گذار آن است که سیاست‌های کلی نظام جزو قانون مصوب نمی‌شود و معنا صوری و ماهوی قانون در باب آن صدق نمی‌کند.

3. تعیین سیاست‌های کلی نظام با عده‌ای که درونی قانون مخالفت دارد به نفع هم ایهام دارد هم‌ضمانت اجرا ندارد، هم به نتایج و سرعتاً قابل تغییر است و هم مفاهیمی را طرح می‌کند که بر از تعقید است، تکلیف مالی‌اندازی می‌کند زیرا از این نظریات و کلی‌گرایانه است که کسی نمی‌توان آن را دارد که

---

11- بخش‌های: همان، صص. ۸۲ و ۸۱.
12- اقتباسی از پیام این مطلب از یاد نبرده است که اعلام کرد بندگی‌های شاخص‌گذاری‌های اصل کلی قانون اساسی عده‌ای‌های ایرانی‌ها.
13- بخش‌های: همان، صص. ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۰۹، ۱۴۹، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳.
14- بخش‌های: همان، صص. ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳.
15- بخش‌های: همان، صص. ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۴۳.
سیاست‌هایی کلی را شامل کند و بر تداوم و توسعه آن نظام‌ها و قواعد صحیح قرار دهد. به نظر نمی‌رسد سیاست‌های کلی نظام با ارکان اجتماعی قانون به ویژه اصل مجموعه‌ها قانون مطابقت داشته باشد زیرا حالت انزاعی محضً آن باعث مکثون شدن و سرقت‌های عدم اجرای آن می‌گردد و به همین دلیل از همان آغاز حکومت به عدم تناسب و عدم اجرای عدم جامعتی می‌شود. در عین حالی که این سیاست‌ها با رکن‌های حقوقی یک قانون بدن ضمانت اجرای آن اماده بودن نیز مطابقت ندارد و نمی‌توان آن را قانون نامید.

4. به نظر نمی‌رسد گام‌های سازمانه‌ای تصویب، اما و انتشار که مراحل وضع قانون نامیده شده اند در باب سیاست‌های کلی نظام قابل اطلاع‌برداری باشد زیرا صریحاً در قانون اساسی در باب آن قیدی نیامده و حتی به صورت مضمون نیز این قید آورد نشده است که ویژگی‌های یک قانون را در باب آن می‌توان صادق دانست.

5. نظرات پیشنهادی سیاست‌های کلی نظام نیز همین اکنون در محیط شک و ابهام است. نظرات عبارت از حصول اطمینان نسبت به مطابقت نتایج عملیات با هدف‌های مطابق است که می‌تواند قبل از پیامدهای نزدیک به حل‌پذیری می‌باشد که این، تأثیر مؤثر و حساس‌سازی به‌کارگیری اکنون در خود مجمع تشخیص مصلحت نظام بر سر زد و کارهای کثرت و نظرات کثیف و تردید فراوان هست.

بین‌ال.Experimentalsi نشته است. این که برای این کار چه وسیله‌ی سنتیکی داشته باشیم، همین الان مطرح است.
مجمع تشخيص فعالیت ساز و کاری در این زمینه ندارد. طبقاً وقتی این ساز و کار مشخص شد دولت و مجلس و قوه قضاییه هم باید مراعات کنند.

اگر نتایج نظارت کرد و نشان داد که آنچه که خواسته بود با آنچه که در عمل اتفاق افتاد است مطابقت دارد یا خیر نشان از آن دارد که سیاست‌های کلی نظام را نمی‌توان از جنس قانون مجموب نمود زیرا اصل اساسی در هنگام اجرای قانون نظارت بر نحوه اجرای آن است. بنابراین در وضعیت فقدان ساز و کارهای نظارتی باید به‌دست آنچه که تصویب شده کلیاتی انتزاعی است که نواحی عملياتی این نشان داده یا که به طوری که تنها آنچه را که اجرای می‌شود به یکی از بندهای سیاست‌های مصوب اصلاح کنیم و توجه نماییم که قوانین مصوبه، به عملیات اجرایی مصوبه و یا قضاوت در باب آنجه قانون شده و آنجه اجرای همگی مطابق به یکی از بندهای سیاست‌های کلی است. در این صورت سیاست‌های کلی نظام خود به خود قادر به اجرای شور و همانند یک تابلوی نقاشی تألیف می‌گردد که هر کس نصوی به آن را در ذهن خود می‌پردازد و فکر می‌کند که برداشتی صحیح دارد. در تجربیات و انرژیات به ضرورت قاطع نمی‌توان از صحیح به سیم بودن آنچه در عمل می‌خواهد اتفاق بیفتد اطمنان حاصل نمود. این در این میان گرفت این نکته الزامی است که مجمع تشخیص مصلحت نظام در کل مافی (۱۳۶۶) و قانون اساسی باید به تعرف سیاست‌های کلی مورد است. این اقدام را در جهت موافق باید پردازی داشته باشیم. ۱. از نیکی، نخستین سیاست‌های حقوقی نظام جمهوری اسلامی موجه شده که هیچ تعیین مجازی از سیاست‌های کلی وجود ندارد و اجرایی عملیاتی کردی، نیازمند دانستن و وضع حیطه و شور این آمریکی همراه با شور و نتیجه آن است و این اهمیت آمیزی می‌تواند افاده فاقدا را از قانون اساسی زابل کند. به تعبیر ساده، عبارتی در قانون اساسی آمده که بر آیند مهم و مکاتب خاصی داشته وی بود تعیین و نتیجه را شده و قابلیت عملیاتی نیافته است. ۲. از دیگر سو، زمانه مناسب هنگامی فرآیند را سیاست که قوه مجری به پشتیبانی شکافت آورآمیز معته ملت در اختیار جبهه و گروهی فرار گرفته که دارای ناهمانندی‌های فرآیند با آنچه که مدیران می‌آمده و آینده را بر تصویرات خود بنا می‌کرده است، می‌باشد. از نظر آفرینی "ابهام" در این فرصت مساعد می‌شد.
بهره‌هایی لازم را گرفت. زیرا گمان برده می‌شد که در متابعت از آرای حامی قوه مجریه، قوه مقننه نیز حمایت کننده‌های هم‌سنگ قوه مجریه پیدا خواهد کرد و دو قو از سه قوه کشور در اختیار یک چیز خاص با مرا مشارکت قرار خواهد گرفت. ابهامی که در مفهوم تعیین سیاست‌های کلی نظام وجود داشت می‌توانست سنتسکی در جهت بترتری دادن مجمع تشخیص مصلحت نظام در ساختار نظام سیاسی - حقوقی کشور تعیین شود. ابهام‌آمیز بودن تعیین سیاست‌های کلی ابن نیرو را در خود ذاهر داشت که به پشتوانه اختیارات مطلقه و علی فقیه که طبق صراحت اصل ۵۷ قانون اساسی حاکم بر قوای سگانه محسوب می‌شد بتوانند هم‌زمان در جهت مسر حیکت و قوه مجریه و مقننه قرار گیرد. که گمان می‌رفت به اصول و اهداف و آرمان‌هایی از نوع انگیزه می‌اندیشدند، شکل و شماپلی که بهره‌ای جدید داشت و به محتجها و درون‌نیروهای جدیدتری می‌اندیشدند. اما به هره جهت، مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۲۷ دی ماه سال ۱۳۷۶ طی نامه‌شماره ۱۴۵ که خطاب به مقام رهبری نوشتند شد اقدام به تعیین سیاست‌های کلی نظام نمود:

ب) سیاست و موانع‌آن
در بک نظام آرمانی و هدف‌دار، برنامه‌ریزی به معنی مانع را می‌توان در برگیرنده مراقب زیر دانست:

۱. سیاست‌های کلی:
این سیاست‌ها برای تحقق آرمان‌ها و اهداف پس از مجموعه آرمان‌ها قرار می‌گیرند و حاوی اصولی هستند که آرمان‌ها را به مفاهم اجرایی ترکیب می‌کنند. و آن سیاست‌هایی هستند که در دوران نظام عمل می‌نمایند، اعم از قوای سگانه، نیروهای مسلح صدای و سیمای و همچنین نیروهایی می‌باشند که در دوران جامعه فعالیت دارند که شامل سیاست‌های کلی بخشی و نفرقشی می‌شود:
سیاست‌های کلی علی‌بخشی در مواردی است که هدف یا آرمانی از نظام حکومت چند بخش‌را در بر می‌گیرد و برای رسیدن به آن هدف یا اهداف نیاز به تدوین سیاست‌های کلی می‌باشد. و سیاست‌های اجرایی و برآوره چند بخش در حالی این سیاست‌ها تدوین می‌گردد. سیاست‌های کلی علی‌بخشی در مواردی است که هدف یا آرمانی از نظام حکومت یک بخش‌را در بر می‌گیرد و برای رسیدن به آن هدف یا اهداف نیازمند تدوین سیاست‌های کلی آن بخش می‌باشد."
سیاست‌های اجرایی

مجموع تدبیرها و سیاست‌های ایران در حین تحقق سیاست‌های کلی توسط قوای مختلف کشور و
DESTKAHAYIEH AJRAANI BE MOVJAB VEPARAS MVARATS VAQONI TEODIN MIYSHOND." 

بسط تعیین سیاست‌های کلی و وزیگی این سیاست‌ها

1. تعیین

طرحی سیاست‌های کلی نظام براساس آرمان‌ها و اهداف است و باید ترتیبی از یک سو نظر به
آرمان‌ها و از سوی دیگر نظر به جنبه‌ها و مفاهیم‌های اجرایی دارند. نتایج سیاست‌های یاد شده باید

(الف): در مقایسه با پیمان‌های آرمانی، جنبه تفصیلی و نشریشان بیشتر باشد.

(ب): خواستاب صحیح و عملی ارزش‌ها باشد.

(ج): نه تنها دولت بلکه عامه مردم و کلیه نیروهای فعال جامعه را مانند داشته باشند.

(د): در تحقیجه، نیروهای این جامعه و آرمان‌های آنها را که مورد تحلیل نظام‌اند، هم‌همگی و منسجم

لماهی و ماپین اجرای نظام ارتباط و نگاه به کالی (پوند) برقرار سازند.

(ه): در مقام تعیین اولویت‌ها و اهمیتی عملی و معنی "بابد و نیاز" های تعیین اولویت‌ها را عرضه

کند.

(و): اصول کلی تخصصی و توزیع منابع و امکانات کشور را با توجه به اولویت‌ها بیان نمایند.

(ی): اجرای آنها سیاست عمومی و کلی نظام را در زمینه‌های مختلف از جمله موقعیت ایران و

ایرانی در جهان، منشی در جامعه، نوسه، معنویت، عادات و برخورداری مردم از مواهب و نعمات

موجود در ایران در مقاطع تاریخی مختلف (مثال: سال 1400 و 650 مال از آن و ...) را ترسمیب

نمایند.

"سیاست‌های کلی با توجه به تعیین آنها و با عناوین به این که اصول و راهنمای تدوین

سیاست‌های اجرایی را به دست می‌دهند، باید از وزیگی‌های زیر برخوردار بوده تا بتوانند راهنمای

سیاست‌های اجرایی پایشند و آرمان‌ها را به مرحله اجرای نژادی سازند.

الف: پایداری: سیاست‌های کلی باید پس از تعیین و اعلام، در یک زمان معین و نسبتاً طولانی ثابت

باشند، نا آثار آن‌ها از طریق سیاست‌های اجرایی فراخی و به‌اختیار در برنامه‌ریزی و سپس اجرای ظاهر

شوند.
روابط مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه مجریه

دکتر محسن خلیلی

(۳۱)

ب: انگیزه‌گری: با توجه به اینکه آثار سیاست‌های کلی در طول چند سال دال بر هوش و بروز می‌پیامده کنار باید سیاست‌های کلی باشد، بدین معنا که

جهت پاسخگویی سیاست‌های کلی برای تحقق در آنها دور و نزدیک باشد.

د: درک‌گیری بودن: سیاست‌های کلی، فاکتور و جامع‌گری و می‌باشد. کلی نیروهای موجود و فعال در جامعه را در بر می‌گیرند و اصول راهنمای را در خصوص مسائل اجمالی مربوط به همه می‌پردازند و در یک از نیروها، مورد توجه قرار می‌دهند و نیز به سمت آنها را با یکدیگر و نتیجه‌گیری‌های مشابه را از یکدیگر به حساب می‌آورند و در حضور جلسه‌های می‌باشد. که تجربه کار این نیروها ماهمه‌گذار همگانی باشد.

ه: در عین حال هر یک از اجزای مجموعه سیاست‌های کلی باید توجه تحقق یکی از اهداف به‌خخصوص و تامین آنها بنا شد.

و: یک‌گر خصوصیات اصلی و اساسی

نظام: سیاست‌های کلی توان کننده و نماینده آرمان‌ها ارزش‌ها، فرهنگ، تمدن و دریافت‌های اصولی نظام در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی، علمی و فرهنگی آن خواهند بود و استقرار ایران و ناگردانگاری‌اش را در منطقه و جهان و پدربان‌نگر نظام را از هر نظر در پردازه‌های نهاده‌ها نمودار خواهند ساخت.

لتنه مهمی که باید به آن توجه شود این است که در طرف ۱۸ سال پس از پیروزی انقلاب، نمی‌توان و نباید گفت که برنامه‌ها از سیاست‌های کلی تبعیت نمی‌کرده‌اند. در واقع علاوه بر آنچه از طرف مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، یک روش سیاست کلی، با توجه به قانون اساسی، منظور مجزیان بوده است. بنابراین در جنب بحث و بررسی سیاست‌های کلی باید آینده می‌توان و یا شاید لازم باشد که به این بررسی هم پرداخته شود و معلوم گردد که مجزیان سیاست‌های کلی نظام را در طول سال‌های گذشته، چونه تنها برخی کردند و در جه مواردی این سیاست‌ها با سیاست‌های مذکور در قانون اساسی و رهبری امام فقیه سره و مقام معظم رهبری منطبق بوده‌اند و درجه مواردی فاصله‌گرفته‌اند.
نشیبه حقوق اساسی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۴

به یاد ترتیب می‌توان:

1. سیاست‌های کلی را که مبنا بر نظام‌های اجرایی تا این زمان بوده‌اند بررسی و فصل‌بندی کردم.
2. موارد انطباق آنها را با سیاست‌های کلی نظام تشخیص داد.
3. علل و عوامل دوری از سیاست‌های کلی نظام، را معین کردم.

از میان هدف‌ها و آرمان‌ها در مرحله اول می‌توان دو هدف باید آرمان را به عنوان مبنا تعیین سیاست‌ها تعیین کرد. این دو هدف مبنا و متکی بر مبنا و اصولی و هستند که در بند‌های ۱ تا ۶ اصل دوم قانون اساسی به آنها اشاره شده است. این سیاست‌ها به‌این ترتیب نگه‌داشته و تریب انسان‌های خدا و خداوند و مختلف به مشارکت فعال در زندگی اجتماعی قرار می‌آورند.

ب: جامعه نوسیعه یافته مستقلی را بوجود خواهد آورد که در عین برخوردی از واقع ملی و وحدت کامل از احتیاجات توجه به مهجور‌می‌توان و تحت عوامل اجتماعی و عدم تبعیض و برخوردی از رقابت نسبی شاخص‌پذیر و در میان کشورهای اسلامی پیشرفت و تقدم نسبی، و پیروی از اصول عزت، حکمت و مصلحت، اقتدار ملی را به گونه‌ای تحت‌بندی که باعث دفع دست‌مندان خود، در تمامی صورت‌های باندی و در عين حال در موقعیت تنشی‌سازی قرار گیرد که هیچگاه نیازمند درگیری با معارضان خود نباشد و در حق واقع با انتکاب به قدرت کمی و کیفی حکومت، بارداران‌گی لازم را اجرا نمی‌نماید.

امروز به قاعدتاً نظرات و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام جزو منابع حقوق اساسی جمهوری اسلامی محاسب شده است. این نظر مخالف نظر دیگری است که بررسی آن مجمع حق قانون‌گذاری ندارد. ولی این مسئله نازه بین‌بستگی در حال اختلافات مجمع شورای اسلامی و شورای نگهبان مواردی را از نزد خود می‌افزاید و مصوبه اختلافی را به حالت نهایی در می‌آورد، مواردی که شاید اصلاً مذا نظر مجمع شورای اسلامی به عنوان نیاز است، صلاحیت‌دار تغییر نبوده ولی ناجار به سکوت شده.

قانون اساسی، تهران: الهیه، ۱۳۷۹، صفحه ۲۲-۳۱.
است. ۱۱ به ویژه به عنوان نمونه در مورد لایحه بودجه که ضمن اقتدار قوه مجریه و نمود حاکمیت ملی از سوی مجلس شورای اسلامی محسوب می‌شود مجمع تشخیص مصلحت نظام این احیاء را برای خود قابل شده است که حتی در آمده دولت جنجالی بیانگر و یا آن چیزی را باشد.

از دیگر سر گرچه طبق اصل چهارم قانون اساسی مجمع تشخیص مصلحت نظام حق ندارد خلاف شرع مصوبه‌ها را تایید کند ولی مجمع با استناد وجود مصوبه ملی به عدل و فیروز داده و شورای نگهبان را دور زده است. در مورد سیاست‌های کلی نظام می‌توان از منظری دیگر نگریست و احتمال وقوع برخی اعمال و اقدامات را منظور آورد که ابتدا به ساکن خلاف قانون اساسی محسوب نمی‌شود و در نهایت، موجبات سقوط نظام قانون اساسی به وضعیت افزایش شده و بیناندنه و بیناندش را فراهم می‌آورند.

۱- برخی معتقدند سیاست‌های کلی نظام نیم‌تواند خلاف قانون اساسی باشد و این سیاست‌ها اصول قانون اساسی نیستند که شورای نگهبان با استناد به آنها بر موجب مجمع مجلس را خلاف قانون اساسی اعلام کند ولی یک جواب واقعی که عملان اطلاعات از این قرارست که کلیه مصوبات مجلس را شورای نگهبان می‌تواند با سیاست‌های کلی نظام - که مصوب وی مطلب فقهی و حاکم بر سه قوه به شمار می‌رود - انطباق بدهد و آن را خلاف شرع اعلام کند یا نکند.

در حالی که برخی معتقدند استناد مستقیم شورای نگهبان به سیاست‌های کلی نظام در باب رد مصوبات مجلس و جهان قانونی ندارد ولی در عمل به عنوان نمونه به مواردی می‌خوریم:


۱۳- مهربان، حسن (و دیگران)، گند. در جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام. س. صص. ۱۲۸۲.

۱۴- مهربان، حسن، صص. ۱۲۸۲.

۱۵- مهربان، حسن. صص. ۱۲۸۲.
در اظهار نظر شماره ۱۸۷۱۵ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مقرر شده است: با توجه به بند ۱ فصل ۲ اقتصادی سیاست‌ها و برنامه‌های کلی برنامه سوم توسعه لغو ماده ۱۸۷۱۵ قانون برنامه سوم توسعه ملغی شود. 

۲- اینگونه مدت اعتبار مصوبه‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام در باب سیاست‌های کلی نظام و نیز جراین خسارتهای از اعمال و اقدامات احتیاطی برآمد از سیاست‌های کلی نظام معلوم و مشخص نشده است.

۳- بر اساس استنادی تعیین یافته نویسنده، طبق تفسیر شورای نگهبان کلیه قوانین و مقررات حتی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت باعث مطالعه شرعی، مطلوب تفسیر قانون اساسی نیز در اختیار شورای نگهبان قرار گرفته است، ولی سیاست‌های کلی نظام که توسط مجمع مقرر و توسط مقام رهبری تصویب می‌شود نمی‌توان قانون اساسی را تفسیر کرد. ارائه نظر شورای نگهبان در باب انطباق قوانین به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت در باب تعیین سیاست‌های کلی نظام با شرع به طور فعال با تشکیل شورای نگهبان است، و سیاست‌های کلی نظام نمی‌تواند خلاف شرع باشد حتی مطالعه با نظر شورای نگهبان و استنادی تعیین یافته نگارنده، رئیس جمهور موظف است از ابلاغ سیاست‌های کلی مخالف شرع با این تلقی که هرچه مخالف قانون اساسی است مخالف شرع هست خدوداری کند و آن را برای اجرای قوه مجرمین ابلاغ نکنند. بنابراین مجلس خبرگان رهبری هم به عنوان بالاترین مقام صلاحیت دارد در کشورهایی حتی بر مقام رهبری نیز ناظر است حق تدارک مصوباتی.

46 - www.irisn.com/shata/tahgtig/gozatesh_4007

47 - سید حسن هاشمی، همان، صص. ۱۰۰-۱۰۱ و ایوب‌المومن، عبدالحمید، حقوق اداری ایران. تهران: توس، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ صص. ۵۴-۵۵.

48 - منصور، جهانگیر، نظریات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان درباره قانون اساسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ صص. ۱۲۷.

49 - منصور، همان، صص. ۱۰۱-۱۰۲.

50 - منصور، همان، صص. ۲۰۲-۲۰۳ ۱۳۸۰.

دکتر محسن خلیلی

(۲۵) روابط مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه مهجوبه

دشته باشد که خلاف شرع و قانون اساسی باشد؟، چه رسد به آن که سیاست‌های کلی نظام خلاف شرع با قانون اساسی باشد.

ولی خود شورای نگهبان یک نظریه تفسیری دیگر این حق را برای مجمع تشخیص مصلحت نظام قابل شده است که مصوبات آن نهاد در مقدم تعارض نسبت به اصل قانون اساسی و همچنین نسبت به سایر قوانین و مقررات دیگر کشور، حاکم بر تمامی قوانین مذکور باشد. بنابراین هنگامی که سیاست‌های کلی نظام در مقدم تعارض با قانون اساسی قرار می‌گیرد، مصلحت موقت در تری قانون اساسی است. طبق همین نظریه تفسیری اگر بر سر سیاست‌های کلی نظام و معنا و مفهوم نظری و اجرایی آن اختلافی بیش از آن می‌تواند درصد بیان مراد بر می‌آید و تفسیر مصوبه را خود بر عهده می‌گیرد.

حال اگر سیاست‌های کلی نظام را قانون اساسی با معادل آن تلقی کنیم، تفسیر آن طبق اصل ۹۸ قانون اساسی با شورای نگهبان است، اگر آن را فوق قانون اساسی تلقی کنیم نیازمند تفسیر حقوقی نخواهد بود، جنون مدار فقیر آن را در دست نداریم و اگر آن را از شمار قانون عادی تلقی کنیم طبق صراحت اصل هفتم و سوم قانون اساسی تفسیر آن به عهده مجلس شورای اسلامی است زیرا حتی استفسارهای موجود در مجلس شورای اسلامی که به صورت طرح نمودار شده است سرانجام مصوب شورای نگهبان خواهند بود. از تفسیر شورای نگهبان بر می‌آید که مصوبات مجمع در باب سیاست‌های کلی نظام نه قانون اساسی و نه قانون عادی است فقط همین که خلاف شرع نباشد. ۴۸ به احکام اولیه و نه با احکام قانونی - مورد پذیرش قرار می‌گیرد زیرا پشتون حقوقی آن حکم حکومتی ویل مطلق‌های فقهی است. در این زمینه حتی اگر شورای نگهبان ایرادات و اشکالات شریعی در باب تعیین سیاست‌های کلی نظام دشته باشد به لحاظ آن که مقام رهبری بر تمامی نوا اشراف دارد می‌تواند.

۴۸- مؤذنیان، همان، ص، ۱۱۹
۴۷- منصور، همان، ص، ۱۱۷
۴۶- مؤذنیان، همان، ص، ۱۱۱، ۱۱۲.
مطابق با استناد تعميم یافته‌ام - شورای نگهبان سکتور کن و سکوت را هم نشانه رضا و خشونتی تلقی کنیم.

به لحاظ حقوقی جایگاه سیاست‌های کلی نظام در نظام حقوقی ما نامشخص و تعريف نشده و را
شبه است زیرا خود اعتراف مفهومی سیاست‌های کلی ماهیتی از سنگ و جنس قانون نیست. امروزه مفهوم
سیاست‌های کلی نظام در منظر نظام حقوقی سیاسی کشورمان دچار اشکالی و تنشت فروان شده‌زیرا
ماهیت حقوقی آن، نحوه نظرات بر آن، تفسیر آن، مطالبات آن با شرع و قانون اساسی، اصلاح آن، نسخ
و الغاء آن، و روند عملیاتی و اجرایی کردن آن، هیچگونه کامل‌الروشین و واضح نشده است.
ولی بحث را از جنبه دیگری هم می توان ادامه داد و آن اینکه اصلاً به‌ویژه به غیر از اصول و
فصول مختلف قانون اساسی - که هر کدام به طور مرتب اعلام سیاست کلی می‌کند و نحوه اجرایی
شدان آن را بیان می‌دارند - سیاست‌های کلی نظام وجود دارد و می‌باشد اعلام هم بشود. پرسش
اینجاست که عقلاً و منطقاً واضح آن یا نیاز به کمی باشد؟ از یک سو می‌دانیم یکی از مهم‌ترین کار
ویژه‌های مجلس، سیاست‌گذاری است و لیکن جنجال مسائل صورت بی‌پایان می‌پذیرد و بیشتر مصرف
کننده‌اند. حتی اگر قوه مجزه به عزالت این که بیشترین نیرو در سواست قشور می‌پراکند و
با نیروی‌های دیگر اجرایی را در کشور به عهده‌دارند و بیشترین کار کارشناسی را با توجه به
درخواست داشتن منابع و نگران انجام می‌دهد. شاید بتوان نروی برای تدوین سیاست‌های کلی است.

از آنجا که اینجا کندنه قاعددان اختبار دار امر تضمین گیری است و این صحیح به موجب قانون
مکتوب به او داده می‌شود قوه محیط اجتماعی از حکومت محسوب می‌شود که اجرا یا قوانین و
تصویب سیاست‌های کلی و تعیین شیوه‌های اجرایی آنها را بر عهده می‌گیرد. این اقتراحات با دانه
وسعی آن به مستقیمی بر عظیم و اطلاعی در مورد او دوازده و یافته مستقر
در سواست کشور با کارکنان فراوان بخشی از آن است. تظیم طرح‌های قانونی، تعیین سیاست دولت

- مولانا محمدحسین [تنویین و تصحیح]، مجموعه نظرات شورای نگهبان درباره مصوبات مجلس شورای اسلامی: دوره
ششم، سال‌های 1359 تا 1361، صفحه 232-233.

- آهنگر، محمدرضا، تمرکز حقوق حقوقی، 1359، تهران: مرکز آزمایش مدرسی، صفحه 183-184.

- بوشهری، مهدی، حقوق اساسی تهران: کتابخانه گنج‌دانش، 1376، صفحه 143-144.
و مسؤویت تنظیم خط مشی‌ها و سیاست‌های کلی دولت در اکثر قربان به اتفاق کشورهای دنیا با قوه مجرهی است. همچنین مهم‌ترین موضوعی که در انجام‌بردن قوه محقق محسوب می‌شود، کمابیش در اکثر سیستم‌های حقوقی دنیا رواج دارد و ظرفیت تصور آن جزئی است که قوه مجرهی به عنوان سیاست کلی تنظیم می‌کند. عمدتاً آن‌چه تاکنون پذیرفته شده، آن است که تنظیم سیاست‌های کلی و آن چه که به نام خط مشی‌گذاری محسوب شده به وسیله طبقه با نفوذ نخبگان صورت می‌گیرد که در شکل‌بندی قوه مجرهی از اقتدار و نفوذ فراوانی بهره می‌برند. این گروه نخبگان قادرند مسائل مختلف را خود تشخیص می‌دهند، خود مطرح می‌سازند و خود در بافت راه‌حل و وضع خط مشی نظر نهایی را ایزاب می‌کنند و عمداً سر و کارشان با قوه مجرهی است زیرا می‌دانند که می‌باشند در محیط کنونه که نیرو، منابع و اعتبار بخشی‌تری برای پیشرفت نظام‌شناسان در اختیار آنها قرار داده می‌شود، منتبه که محیط اقدام خود را در سراسر کشور می‌جوید و به همین وسعت می‌توانند محدودیت‌ها و مقدرات کشوری را به‌شانس و خط مشی‌های عملی را اعلام کنند. به همین دلیل در فراوردهای مناسبی خط مشی‌گذاری عملی یکی از مدل‌های واقعی و تجربی مدل گردنه‌ای است که در آن یک نظر قوه مجرهی و مدل‌رسان آن به عنوان خط مشی‌گذاری اصلی گذاران اصلی تأکید شده و تأثیر عوامل دیگر مانند قوه مقضه، قوه فضایی، مرجع و افکار عمومی و گروه‌های ذی نفوذ فراوانی نشده است. به نظر می‌رسد اصول مقدماتی و نهایت قانون اساسی جمهوری اسلامی اقتدار به تعیین سیاست‌های کلی کرده و پس از آن طراحی و تغییرات دوره ای به عهده قوه مجرهی باید به عنوان وضع خط مشی گذاری و قوه مقضه به عنوان تصویب کننده خط مشی‌های اصلی – گذاشته شده است. در این میان تعیین سیاست‌های کلی نظام در اصل یکصد و دهم قانون اساسی نوعی این همان گویی و یا پردازش توشیکی به قضایا و مفاهیم اعتباری موجود در متن قانون اساسی است.

- پروشیری، همان، صص. ۱۰۶-۱۰۹.
- همان، صص. ۱۰۶-۱۰۹.
- الی، بازیل: تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی، تهران، سازمان سمت، صص. ۱۳۷۱، صص. ۹۴.
- الی، همان، صص. ۱۰۴-۱۰۵.
لنزهی حقوق اساسی سال سوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۴

در عهده نهادهای مسئول گذاشته می‌شود، در خورد قوانین اساسی یک
نهاد و یا مجموعه ویژه ندیدن سیاست‌ها و خط مشی‌های کلی در نظر گرفته نمی‌شود. زیرا اگر خط
مشی را عبارت از نباهت‌ترین تصمیم تلقی کنیم که اولیه، بنیادی و فراگیر است و پس از جمع بندی
افکار و تصمیمات فراوان دیگری اتخاذ می‌شود کاملاً با تعرف قانون اساسی به عنوان یک متن
بنیادین با ابتدای مشی یکسان است یعنی هدف‌های قانون و فراگیر دارند و حدود و مرزهای خط مشی‌های
عومومی را تعیین می‌کند؛ اولویت زبانی برای خط مشی گذاری عمومی تعیین می‌کند و به نوعی دست
به آن‌ها می‌آید. کار ویژه‌های خط مشی‌های عمومی با کار ویژه‌های قوانین اساسی کمایش
مطلقی هستند. مراحل فراوان عقلی خط مشی گذاری نیز کمایش با مراحل تدوین قانون اساسی
یکسان است یعنی:

۱. احساس و درک مشکل عمومی جامعه
۲. تعریف و بیان مشکل مذکور
۳. یافتن راه حل‌هایی برای مشکل

۱۷. نظر محمد باقری، بررسی تحلیلی وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران: پیام، ۱۳۸۱: صفحه ۲۷، ۲۸.
۱۸. والی، تهران، صفحه ۲۷، ۲۸.
۱۹. رضاییان، اصول درایی، تهران: سازمان سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۸: صفحه ۴۰-۸۰.
۲۰. تسنیمی، محمد سعید، تحلیل فراوانی خط مشی گذاری و تصمیم‌گیری، تهران: سازمان سمت، ۱۳۷۸: صفحه ۶.
۲۱. والی، تهران، صفحه ۲۷-۳۰.
۲۲. والی، تهران، صفحه ۲۷-۳۰.
۲۳. اصول درایی، تهران، صفحه ۴۰-۸۰.
قرارن اساسی

یافتن بهترین راه حل و ارائه آن به عنوان خط مشی قوّه مقتنع و قوّه مجريه

خط مشی گذاری نیز تا نیاز برای برخورداری از مسیر برنامه ریزی امکان پذیر می‌شود. برنامه‌ریزی نیز به معنای تعیین هدف، یافتن راه وصول به هدف، تصمیم درباره کارهایی که باید صورت گیرد، تجهیز و طراحی وضع مطلوب در آینده و طراحی عملیات تغییر دهنده وضع موجود به سوی وضع مطلوب نامیده شده که از یک سو یک تصمیم بزرگ است و از دیگر سو در هر کدام از مرحله‌ها نیازمند تصمیم‌های جزئی‌تر است و لی به هر جهت تصمیم‌گیری فراوانی است مبتنی بر گام‌های زیر:

1. تشخیص و تعیین مشکل اصلی
2. احصای شوق ممکن
3. انتخاب سنجش
4. تعیین تایید حاصل از هر راه حل
5. ارزیابی راه حل
6. انتخاب راه حل اصلی

قوانین اساسی یکبار و برای همیشه و البته به این هزینه پرداخته و در متن قانون وجود و جنبه‌های گوناگون سیاست‌های کلی و اصول و ارزیابی آنها و اهداف را اعلام می‌کند. قانون اجباری کردان آن چه که خواسته و مطلوب اعلام شده در اخذ نامه‌ها و سازمان‌هایی است که به موجب قانون اساسی و با قوانین عادی صاحب صلاحیت شناخته شدند و در قانون تعمیم سیاست‌های کلی نظام در دل متنی که حاوی مشخصی از سیاست‌های کلی است نوعی دواور از کاری چشم آزار به حساب می‌آید. به عنوان نمونه یکی از خبرگانی که هم در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به سال 1388 و هم در شورای بانکی قانون اساسی به سال 1378 حضور داشته است هنگام نتیجه‌گیری از سیاست‌های کلی نظام به ذکر مثال‌هایی می‌پردازد که همان موارد یا مشابه آن در متن قانون اساسی موجود بوده است.

---

77. رضوانیان، همان، صص. 84, 85
78. اثمانی، همان، صص. 177, 185, 186
79. یزدانی، محمد، قانون اساسی برای همه، تهران: امیرکبیر، 1376، ص. 503.
در سایر استاد معترض حقوقی نظام جمهوری اسلامی نیز به تکرار مکرراتی بررسی‌گری که در متن قانون اساسی به هر نحو موجود بوده است:

1. قانون برنامه اول توسعه و قانون برنامه دوم توسعه
2. بارزاسازی و تجهیز بیمه دفاعی
3. بارزاسازی و نوسازی طرح‌های تولیدی و زیربنایی
4. گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی
5. ایجاد رشد اقتصادی
6. تلاش در جهت تأمین عدلت اجتماعی اسلامی
7. تأمین حفاظت نیازهای اساسی آحاد مردم
8. تعیین و اصلاح الگوی مصرف با حفاظت کرامت و آزادگی انسان
9. اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی و قضایی کشور

تلاش در جهت ایجاد امنیت قضایی و تحمیل مسأله تظری و عملی شامل عموم در پیام آن قانون.

سند برنامه سوم توسعه از یک سو با کمک برآوردهای کلی و سیاست‌های اجرایی و سیاست‌های استراتژیک شبیه به سیاست‌های کلی هستند حتی ماه‌ها و عمل‌ها کلی نیز بسیار هم‌نیا سیاست‌های کلی هستند که در اصول قانون اساسی به نحوی از اتحاد آنها تغییر به میان آمد.

است.
روابط مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه مجربه

دکتر محسن خلیلی

تالش در جهت ایجاد امیت قضایی و تحکیم مبانی نظری و عملی نسایی عموم در برادر
قانون.

دو) سند برنامه سوم توسیعه

از یک سو اکثر قرب به اتفاق رهنمودهای کلی و سیاست‌های اجرایی و سیاست‌های استراتژیک
شبه به سیاست‌های کلی هستند. حتی ماده‌ها و عنوان‌های کلی نیز بسیار همانند سیاست‌های کلی
هستند که در اصول قانون اساسی به نحوی از انجام از آنها سختی به مبان آمده است.

س) سیاست‌های کلی امیت اقتصادی مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۳

۱. حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع که
امری عقیلی و مربوط با قوه مجربه و مقننه و قضاییه است.

۲. هدف از امیت سرمایه‌گذاری ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه سازی برای
عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر
اموری که به آن هدف کمک می‌کند و ظنیفه قائم دوست و مجلس است.

۳. قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و
هماهنگی باشد.

اصلاح علم مدیریت برای انجام چنین کار رزگی هایی دانست شده است.

۴. نظارت و رسیدگی و قضایت در مورد جرایم و مسائل اقتصادی باید دقیق و روشن و
تخصصی تر باشد.

---

۲۴) ساربانز برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسیعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸-۱۳۷۲ مصوب ۲۴/۵/۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی، مهران ص.۴۵ و ساربانز برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه
اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۴-۱۳۷۸ مصوب ۲۴/۵/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی، مهران:
مص. ۱۳۸۳-۱۳۸۴.

۲۵) دریافت‌های سند برنامه سوم، مهران، اکثر صفحات.

۲۶) منصوب اندی، مهران، اکثر صفحات.

۲۷) منصوب اندی، مهران، صص. ۷۵-۱۷۷.
روشها. سیاست‌های اساسی دولت بکار در منحنی قانون اساسی بدان‌ها تصمیم‌گیری شده است. وظایف این سازمان از قرار زیر است:

۱- برنامه‌ریزی

• انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی و بیش بینی منابع کشور
• تهیه و تنظیم برنامه‌های میان مدتر و بلند مدت به منظور نیل به توسعه پایدار و هم‌جهانی در کشور

۲- بودجه و ریزی

• پیشنهاد خط مشی‌ها و سیاست‌های مربوط به بودجه کل کشور به شورای اقتصاد
• نهی به تنظیم بودجه سالانه کشور

۳- تغییرات و ارزیابی

• تغییرات مستمر بر اجرای برنامه‌های توسعه و پیشرفت سالانه آنها
• تغییرات و ارزیابی کارآیی و عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور
• تغییرات و ارزیابی طرح‌های عمرانی کشور

۴- امور فنی

۵- امور انتخاباتی

۶- امور استخراج

۷- امور تشکیلات و روش‌ها

• اصلاح ساختار دولت و تمرکز دادی
• پیشرفت و تهیه پیشروی‌ها دریافت هدف و وظایف وزارت‌های مرکزی و مرکزی شرکت‌های دولتی

- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مبانی کلی نظام. تهران: میران و دادگستر، جلد اول، چاپ دوم: ۱۳۷۸، ص: ۱۸۰
- (www.mporg.ir/vzaeg-sazman.asp)
روابط مجمع تشخیص مصلحت نظام و فوق مجریه

دکتر محسن خلیلی

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، این وظیفه را از طریق نمودار تشکیلاتی بسیار وسیعی انجام می‌دهد که شامل استر بیماران اولین (با هشت دفتر و اداره زیر مجموعه)، معاون امور اقتصادی و سرمایه‌گذاری (با دفتر دفتر زیر مجموعه)، معاونت امور اجتماعی (با پنج دفتر زیر مجموعه)، معاونت امور فرهنگی و آموزشی (با چهار دفتر زیر مجموعه)، معاونت امور زیر بین‌الملل (با پنج دفتر زیر مجموعه)، معاونت توضیحات مدیریت و سرمایه‌گذاری (با هفت دفتر و مدیریت زیر مجموعه)، معاونت امور مجلس و استانها (با چهار دفتر زیر مجموعه) و معاونت امور فنی (با چهار دفتر زیر مجموعه) که در عین حال در اثر افزایش بیش از یک فقره به اتفاق استثنایی کشور هم‌طبیعی قانون نمایندگی دارد که به عنوان پادوی اجراکار آن عمل می‌کند و می‌تواند، مستقیماً زیر نظر ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انضمام وظیفه نماید و این سازمان را در فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت و تضمین گزینه‌های مکانیکی پیشنهاد. وجود تشکیلاتی با این وسعت در تمامی استان‌های کشور که در یک تعداد منطقه و علائم و در عین حال قانون‌مند با تمامی ساختارهای جزئی کشور مهربانی در استان‌ها و شهرستان‌ها و شهرها و روستاهای سراسر کشور قرار می‌گیرد قدرت کاری‌ها بسیار جشن‌گیر و جامع و مانعی وا در اختیار این سازمان قرار می‌دهد.

طرح کار مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تصمیم‌گیری کلی نظام نمودار کاری ها و ایجاد تشکیلات موازی و قبلاً موجود و در عین حال عربی و فارسی است. مطابق داده‌های آیین‌نامه مالی مجمع کمیته‌نماهای نمایشگاهی فرهنگی، اجتماعی، دفاعی، امنیتی، زیربنای و تولیدی، اقتصاد کلان و بازرگانی، اداری، حقوقی و قضایی یا برخی کمیته‌نماهای دیگر در مجمع تشکیلات مصداق برای مورد نمودن سیاست‌های کلی نظام که نیاز برخی به کارهای یگانه و تحقیقاتی دارند اول کمیته‌ی انتقال اول (زمینه‌های پیشنهادی این کمیته‌ی انتقال اول بررسی و همکاری با دولت و مجلس و مرکز تحقیقات و بخصوص دانشگاه‌ها تجربه کار را به صورت پیشنهاد به مجمع می‌آورد. این موضوعات در جلسات با حضور مسئولین اجرایی و مقننه و سایر دست اندکاران و مسئولین

81. (www.mporg.ir/moaevent - dfater.asp)

82. (www.mporg.ir/tashklat - s hart - asp)

83. معاونت اجتماعی و امور مجلس سازمان برنامه و بودجه، مجموعه قوانین و مقررات برنامه و بودجه. تهران: مرکز مدارک اقتصادی، 1376: ص. 231.

84. نقیه، ممنان، ص. 67.
مرور مطرح و نهایتا نظر کارشناسی و مشورتی مجمع به مقام رهبری ارائه می‌شود. موارد 26 و 27 و 30 آینه‌نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام انتخاب می‌دارد که پس از طرح موضوع سیاست‌های کلی نظام و پس از طرح و توضع مسائل و اظهار نظر دو موفق و دو مخالف رأی‌گیری به عمل خواهد آمد و گزارش کامل به همراه چکیده به مراجع مسئول ذی ربط ابلاغ خواهد شد. لیست خود مجمع به طور موردی و یا هر چندگاه یکبار فهرستی از موارد مربوط به سیاست‌های کلی نظام را که قابل بحث در مجمع، تشخیص می‌دهد، تنظیم می‌کند و پس از تأیید مقام رهبری برای بررسی در دستور کار مجمع فرمایش می‌دهد. بتا به گفته ای، مقام رهبری از مجمع تشخیص مصلحت نظام خواسته‌ای که در امور آموزشی، تحقیقی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی، امنیتی و غیره سیاست‌های کلی تدوین گردد و از کنار نیز تازه کاری و تجربه آموزشی محسوب می‌شود. اما بلافاصله مثالی را که در مورد سیاست‌های کلی مرتبی با امایش سرزمنی ذکر می‌کند. دقیقاً کاری است که قوی ممکن به ایده‌الا و تدوین کند. وانگری دیربردن مجمع اگر به منظور تنظیم کار کمیسیون‌های دادگستری و نیز کمیسیون‌های خاص و برقراری ارتباط با دستگاه‌های مسئول دانشجویی و نهادهای مسئول عمومی غير دولتی و استفاده کامل از فراورده‌های کار کارشناسی آنها و نیز ارتباط مستمر با شوراهای مشورتی و نظارت بر کارهای اداری و کارشناسی کمیسیون‌ها و همچنین اطلاعاتی ارزشمند و تحقیقات و گزارش‌های مهم کارشناسی مربوط به مسائل ایران و جهان و نیز نظامت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی و پیگیری آنها و نیز ابلاغ مصوبات و تخصیص‌ها و تدوین صورت مشروح مذاکرات و دیگر امور اداری و اجرایی مجمع، تشکیل‌گرده و موظف شده است که برای نظارت و پیگیری تخصصی نیز سیاست‌های مورد تأیید مقام رهبری، تشكیل‌های ایران را تنظیم و تأسیس کند. از یک سو دقت و توجه کافی به حجم تشكیلات دیربردن مجمع نشان می‌دهد که حکم و نقد کاری رسماً صورت می‌گیرد و چهره سازمان‌ها و نهادهای صاحب صلاحیتی که اکنون با کار و یپز هوی تازه پیدای

44 - بهترین: م.Hand, صص. 112 و 111.
45 - بهترین: م.Hand, صص. 112 و 111.
46 - بهترین: م.Hand, صص. 112 و 111.
47 - بهترین: م.Hand, صص. 112 و 111.
48 - بهترین: م.Hand, صص. 112 و 111.
49 - بهترین: م.Hand, صص. 112 و 111.
مجمع تشخیص مصلحت، موجودیت‌شناسی‌ساله، به انتخاب موضوع‌ی می‌شود؛ از دیگر سو به چند بنا بر دو قول همانند ولی جذابانه، در نظام جمهوری اسلامی، تفکیک قوا به آن معنا باید که در تاریخ انفجار سیاسی و حقوقی غرب رواج یافته است. وجود ندارد و حاکمیت و حکومت دین و ولایت، جابی برای نگرانی از تفکیک قوا باقی نگذاشته است؛ زیرا مراحلی کهی موردی رایج است. سبب شده که ولی فقهی فوق تفکیک قوا محصول گردید. ولی افق شدند پذیرش در پس هستی عمودی تصمیم گیری، سبب ساز و ضعیتی شده است که مجموعاً نظام را زیر مجموعه ولیکرده و به زوال خلاصیت و ابتکار در تدوین و آفرینش حق مشی یک کمک نموده است. زیرا اگر می‌پذیرفتیم که همه قوه در راستای قانون اساسی و با تقیت برد بودن قوه مفهومی، می‌توانند خط مشی تفکیکی کنند با توجه به آن که حلال اختلاف قواهی سبب گانه از ظواهر راهبردی محصول می‌شود، بی‌گناهی نداشتنی که امری مهم به نام عین سیاست‌های کلی نظام‌ریز در تن قانون اساسی به عنوان انتقال مقام راهبردی و وظیفه مشترکی مجمع تشخیص مصلحت درج نماییم؛ ولی وزیر آن که کاهش اوقات پیشنهاد می‌شود برای آن که خیالان از باب انطباق کلی مصوبات مجلس شورای اسلامی با ماهیت سیاست‌های کلی نظام را بی‌ثباتی است پیش از طرح و برسی آنها در مجلس، ابتدا در مجمع مورد بحث قرار گیرد و مسیز در صورت نتیجه بسیار حاکم در مجلس طرح و تصویب شود. حال می‌توان استیمبات کرد که به عنوان مثال لایحه برنامه بوده و به‌این‌دستا می‌باشد در مجمع تشخیص مصلحت نظام‌ریز و امان نظر قرار گیرد، سپس به هیأت وزیران پرداز و پس از آن در مجلس شورای اسلامی مطرح گردید و این به معناً یب کار کرد شدن دو فوه مجزی به مقتضی است. حال اگر پذیرفتم که مقام راهبردی پس از ابلاغ سیاست‌های کلی می‌باشد بر حسین اجرای و پیاده‌سازی آنها نظام‌ریزی نیز نماید.
آن گونه که خود مقام رهبری از ساز و کار مصوبات نظامی نام برده اندها – این تلقی پدید می‌آید که مقام رهبری بر هر سه قوه نظامت و اشراف کامل یکتا نفوذی در قوه قضاییه می‌تواند مستقیماً به عزل رییس قوه به‌پردازد در قوه مجریه می‌تواند با تکیه بر عدم تنفیذ حكم ریاست جمهوری و نیز تفاضل ارائه حكم به خلاف از وظایف قانونی رییس جمهور توسط رییس دیوان عالی کشور دخالت کند و در قوه مقننه نیز از طریق دو ساز و کار نظامت استحکامی برای برآمدگی انتخابات و نظامت بیشتر محسوب مجلس شورای اسلامی می‌تواند به دخالت به‌پردازد و این همه می‌تواند از همان جمله تجربیات و انتزاعی تعیین سیاست‌های کلی نظام برآید. به نظر من رسد ابزار سندرم نهایی چشم انداده به نواحی سیاسی ایران نیز بیشتر محسوب بیست ساله جمهوری اسلامی ایران که مبنا سیستم‌های کلی چهار برات‌نامه پنجم ساله آینده محسوب شده، در این راستا است، زیرا نسخه ای از آن سندرم برای هر یک از رؤسای قوای سه گانه نیز ارسال می‌گردد که قطعاً تشریفاتی نخواهند بود و با مکانیسم‌های نظامتی مصوب که برآمده آن در دست نهی است سه قوه به صورت انفرد نیز مجموعه تشکیل‌گیر که در عمودی و مطابق آنها خواهند شد. در این سندرم وازگان، مفاهیم و عبارات هایی به کار رفته است که بی‌نهایت قابل تأویل، تفسیر و بسیار کلی و انتزاعی است به حذف که با حذف برخی تغییرها می‌توان آنها را در مورد مه‌دار کشورهای جهان صادق دانست. به عنوان نمونه مواردی از قبیل:

1. چاپگاه اول اقتصادی و علمی و فناوری در سطح منطقه،
2. هویت اسلامی و اقلیت‌های
3. الهام به‌خش در جهان اسلام
4. تعامل سازندگی و مؤثر در روابط بین ملل
5. توسعه یافته و مناسب با متضیفی فرهنگی جغرافیایی و تاریخی خود
6. با تأکید بر مهارت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امینت اجتماعی

و قضایی

98 - www.mporg.ir/barnameh4/ch-1.jpg
روابط مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه مجریه

دکتر محسن خلیلی

۷- برخورد از دانش پیشرفته،
۸- امن و مستقل مقتدر مبتئی بر پازدارنده‌گی همه جانبه و پیوندی مردم و حکومت,
۹- برخورد از سلامت و رفاه و امنیت فیزیکی و تأمین اجتماعی و فرصت‌های یادگیری,
۱۰- توزیع مناسب درآمد و به دور از فقر و فساد و تبعید و بهره‌مند از محیط زیست
مطلوب,
۱۱- فعال و مسئولیت پذیر و مؤمن و ایثارگر و رضایت مدن و برخورد از وجدان کاری,
۱۲- رشد پرستارب و مستمر اقتصادی و رساندن به اشتغال کامل,
۱۳- اهمیت بخش و فعال و مؤثر در جهان اسلام و تأثیر گذاش از علم و فرهنگ اسلامی,
۱۴- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت و حکم و مصلحت

عبارات و تعبیرهای ۸۷۲۴،۱۳۸۰،۱۳۸۱،۱۳۸۲،۱۳۸۳،۱۳۸۴،۱۳۸۵،۱۳۸۶ به طریق عینی و با برخی پس و پیش کردن
واژه‌ها در اصول گوناگون قانون اساسی جمهوری اسلامی درج شده و به ویژه در مقدمه و متن
اصول اولیه قانون اساسی از آن نرم به میان آمد اکثراً موارد و ۱۴
یافته و کلی است. بر مبنای منظور اندیشیده سالم، نخستین بیان اولیه توسیعی می‌شود که
مجمع تشخیص مصلحت نظام طی ۵۶ بند، به تعیین سیاست های کلی حاکم بر آن پرداخته است.
عبارتی که در زیر نقل می‌شود از یک سو، در قانون اساسی وجود داشته و دوباره نویسی آن به‌همه
کاری است؛ از دیگر سو به نقل مختصر آن اکتفا می‌شود و در نتیجه شاید بتوان مشخص
کرد که همه ۵۶ بند به ناحیه از انتهای قانون اساسی در پوند هستند:

۱- اعتلا و همکاری با خیال در معرفت و بصرت دنی، بند یک اصل ۳ و بند ۲ اصل ۴
۲- تقویت و جدان کاری و انضباط اجتماعی، مقدمه قانون اساسی
۳- تقویت روحیه کار، کارآفرینی، نمایش، فناعت و درستکاری، بند یک اصل ۳
۴- سالمندازی فضای عمومی، رشد آگاهی‌ها و نهاد اخلاقی، بند یک و دواصل ۳

www.mporg.ir/barnameh4/ch-1.jpg
شریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره چهارم، تابستان 1384

۵- همزمانی و بسیج امکانات و ظرفیت های گروه جهت کسب و تولید علم

اصول

۶- اصلاح قواعد تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری گروه به منظور تسهیل و تهادینه کردن مشارکت مردم.

۷- تلاش در جهت تحقق مبادله اجتماعی، ببد ۱۲ اصل ۳

۸- ترویج اسلامی و استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی، مقدم و ببد اول اصل ۳ و اصل ۲۹

۹- ایجاد محاوره حقوقی قضایی اداری، مقدم و ببد دهم و چهاردهم اصل ۲ و اصل ۲۴

۱۰- تقویت نهاد خانواده و تلاش در جهت شکوفایی توانایی های زنان، اصول ۱۰ و ۲۱

۱۱- اصلاح نظام اداری و قضایی و توسعه نظام وامنی صورتی.

بنده ۱۰ و ۲۱ اصل ۳

۱۲- گسترش مکاتب های دوژانه و منطقه آی و بین المللی.

بنده ۱۲ اصل ۱۱ و اصول ۱۵۲ و ۱۵۳

۱۳- حمایت از تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد، اصل ۳۱ اصل ۱۲ و ببد یک اصل

۴۳

۱۴- توانائت سازی بهبودی خاصی و تعامل و توجه جدی به مشارکت مردم در

سازندگی کشور.

بنده ۱۳ و اصل ۴۴ و بنده ۱۲ و ۱۸ اصل ۳

آنچه که مجمع تشخیص مصلحت، درباره مفهوم سیاست های کلی نظام، مد نظر اورده، از این قرار است که در خواهد حلقه و اصل میان آرمانها و عرصه های اجرایی باشد ولي اکثر خود تقید به آرزوی دست نیافتنی شده است. زیرا از همان آغاز، راه را انتخاب رفته و بر این انتخاب، اداره هم ورزیدن هم از پدیدام، اصلاً در مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی، نه تنها قرار نبود بلکه نمی باشد افزون بر مقدمه آرمان خواهانه قانون اساسی، اصل سومی هم با شانزده بند و اصل چهل و سومی هم با آن نفصل که همگی برآیند آرمان گرایی های اقلیتی پرواز محسوب می شد و من قانون اساسی تعیین می گردد. این تعیین، احتمال آغاز گزاره از مورد اعمال نظام نظر برای اجرای قرار

می گردد. بنابراین در کار یک مقدمه فیکم که مسیر کلی را نشان می داد، یک قانون اساسی تدوین شد که خود یک اب و خل مشی بود، سپس در سایر اصول، مقدم به خط مشی های هادی یا راهنما فرصت بروز داده و آن چنان قانون اساسی را از انتزاعیات آرمان خواهانه اقلیتی و اسلامی، یا یکی
که فرصت پرور به یک قوّه مقیّه و پرهیز قوّه مجرّه کارآمد و یک قوّه قضاوتبرانده و قوّه داده نشده بود. به ویژه آن که رهبری قطاعه و یاری مندایی آنها افتاده و دامنه بیشتری از همکاری، هم کامیابی ها و کریه های قوّای سه گانه را با پیونداده و هم جملات چشم و آرمان خواهانه متن قانون اساسی را به یک قبّه را رانده و کمتر در معرض دید و تردد قرار می داد. از دیگر سو، در حين روند بانگوری در قانون اساسی، تصویر کردن از واقع محقق برای پژوهش قبّه، با پژوه قوّه و سلسله فراتر از همه چیز و همه کسان قاّل شوریب و آن چه از اسفند گذشته و تسلیم خطاب های فوق تصور به ذهنمان می آید ویژه مقدم ایشان گرددانم. چون می خواستیم زمان امره را به طور مطلق به وی بهبودی، تصویر کردن از گلی ترین و انتظاری ترین وازگانم، می نواختیم قدرت اداری عالی و نظرات مکفّر فراهم آوریم. این عمل به قدری نابه‌کلام و نامناسب بود که مشخون از ابهام و اعتیاد شد و هزین سیاست های کلی نظام تا همه ساعت سال پس از تصمیم، هیچ تعزیه به عمل نیامد. و اظهار بخش‌ای، این قدرت و نواختی را دارند که به مناصب مورد تنظیم خود معنا و محعل های افزون بر آن جهت وجود داشته است، سوار کنند و از آن مقام جایگاهی بسیار دارد که پیش از آن کمتر کسی بدان نکرد. در این عیادت، می باست به یک باره کند و البته با گرفت تبعیض سیستم باره کلی نظام تا نوانست به پشتونه عالی ترین مقام کشور، اقبال مساعد در مداری چنین باشد که با حضور حقوق به مر به حریص کلی نظام دو جنگندا می بخشید. فارغ از این تنکه های ملUMBUS، مفهوم سیاست های کلی نظام ماهیتی هرمز نوانسته است که

"قانون" را بر تن خود کنند و با همبین دلیل از ویژگی های قدرت آفرین قانون با معنای اصل کلمه نهی کنند، اما به هر جهت، مفهوم سیاست های کلی نظام آرام آرام این تجربه از گذر تفکیک قوّا را از بین برد، توای سه گانه وا تضعیف نماید، نظام حقوقی کشور را به حالت غیر شفاف در آورد و زمینه را برای نویجه هر عملی از زاویه قانون فراهم کند، به دوباره کاری ها و کارهای پر شکل‌های مختلف بی‌پایان و زمینه را برای جدل های فراوان حوزوی و دانشگاهی مها سازد. بیشتریم که قانون اساسی دو پایه ای ایران، داناو در خود، حاوی تنکّه های بحث انجیز و جدل آور است، زیرا فقه با تماشا لوازم خود در کلار اندیشه مدرن با بعضی لوازم، متن و یکپاره قانون اساسی را شکل داده اند و این قدر هست که سبب مراقبه های علی میان اصحاب تفکّر شوند. ابهام هایی که صنف سیاست های کلی نظام سبب تسلیح اصحاب دعا به سلاح های مجهر ترارش می شود، زیرا اکنون آنان که با ولایت و فقه و شرعیت و احمای اوله و ثانوی و حکم حقوقی و روزگار می گذرانند، می باست توجهیانی از درون آراء های نفگی برای موجه سازی اطلاق اختبار تن به سیاست های کلی نظام برای ولی فقهی از میان ایبده و سایر شرعتی فراهم آورند. چنان دیگر که به حقوق اساسی شناسیک و فکارا فإن
از رأی و مجلس و قانون و عرف حقوقی و وکالت و مدیریت سخن به میان می‌آورند، مجبرن از دانش پیشونه روز و تجربه‌های همانند بهتری ذکر مثل كنند و نام‌بایلویی تعیین سیاست‌های کلی نظام را به علم حقوق و فن زمینه‌های مربوط به پی‌جوی اطلاعات آن شوند.

از آنجا که عبارت تعیین سیاست‌های کلی نظام در قانون اساسی، به شده است، بنابراین نمی‌توان تکلیف آن را با قانون عادی روشن ساخت، ولی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌تواند به یک نکته مهم دقت کند و آن این که به طرزی عمل کند که مجموع تشخیص مصلحت نظام مصرف کننده مواد خامی باشد که سازمان مدیریت در اختیار وی قرار می‌دهد به ویژه آن که به دلیل نا معلوم - که اکثراً به نگاه‌شده‌ها مکشوف است - به فریب به اتفاق سازمان‌ها و نهادها در ایران، عادت به مصرف یافته‌های دیگران دارد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌توانند:

1. حوزه‌های گوناگون سیاست‌های کلی را تعیین و تعریف کنند.
2. برای هر حوزه سیاست کلی، یک مخزن فکری مجزا درست کند و از ذی فنون Think Tank آن حوزه‌ها دعوت به عمل آورد.
3. حوزه‌های با مخزن فکری، نیازمند انتشار یک مجله استراتژیک در حیطه کاری خود هستند.
4. از مجموع تشخیص مصلحت نظام بخواهد که در باب هر سیاست کلی، رهنمودهای اجرایی مصداقی نیز بیان کند و تنها به کلی گزینه اکتفا نکند.
5. به طرزی زمینه سازی کنند که در پاسخگویی محتمل الوقوع در قانون اساسی ایران، اقدام به حذف تعیین سیاست‌های کلی نظام عملی گردد.
6. به طرزی زمینه سازی کنند که در پاسخگویی محتمل الوقوع در قانون اساسی ایران، مساله حذف تعیین سیاست‌های کلی نظام عملی گردد.